

سند چشم انداز ۱۴۰۴، قانون برنامه چهارم توسعه و تحولات بنیادی مورد نیاز دانشگاه‌ها (مطالعه موردی: دانشگاه صنعتی مالک اشتر)^۱

علی عطاfer،^۲ محمد اسماعیل انصاری،^۳ هوشنگ طالبی،^۴
سید اکبر نیلی پور طباطبایی،^۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۳/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۸/۵

چکیده

با ابلاغ سند چشم انداز بیست ساله، مسیر تکامل توسعه در دو دهه آینده کشور ترسیم گردید. در همین راستا، اهداف چهار برنامه پنج ساله توسعه باید بتواند ایران را در بیست سال آینده به سر منزل مقصود برساند. برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که از سال ۱۳۸۴ شروع و تا پایان سال ۱۳۸۸ به اتمام خواهد رسید، سرآغازی بر این مسیر پر چالش است. اهم آنچه را در برنامه چهارم در رابطه با موقعیت دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و پژوهشی بر آن تاکید شده است می توان در ماده ۴۹ مشاهده نمود. مفاد ماده مذکور ایجاد تحولات بنیادی در دانشگاه‌ها را غیر قابل

۱. این مقاله مستخرج از پایان نامه دکتری در رشته مدیریت بازرگانی از دانشگاه اصفهان است.

۲. استادیار دانشگاه اصفهان – E-mail: attafar@ase.ui.ac.ir

۳. استادیار دانشگاه اصفهان – Email: ansari@ase.ui.ac.ir

۴. استادیار دانشگاه اصفهان – Email: h-talebi@sci.ui.ac.ir

۵. استادیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر اصفهان – Email: akbarnilipour@yahoo.com

اجتناب نموده است. از این رو، پژوهش حاضر در صدد است تا با روش های توصیفی، پیمایشی و تحلیلی ضرورت و چگونگی تحولات مورد نیاز را با دیدگاهی استراتژیک مورد بررسی قرار دهد. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه و برای تحلیل اطلاعات نیز از روشهای آماری بهره گیری شده است. قلمرو مکانی تحقیق دانشگاه صنعتی مالک اشتر در شهرهای تهران، اصفهان و شیراز است. جمعیت آماری آن نیز کلیه رؤسا و معاونان دانشگاه، رؤسا و معاونان مجتمع های دانشگاهی، رؤسا و معاونان دانشکده ها در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ می باشند. یافته های این پژوهش نشان دهند ه آن است که تحولات بنیادی در چهار حیطه «رسالت و اهداف»، «استراتژی ها و خط مشی ها»، «ساختار و وظایف»، و «عوامل محیطی و گروه های ذی نفع» مورد نیاز دانشگاه می باشد. در حیطه رسالت و اهداف، «تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه»؛ در حیطه استراتژی ها و خط مشی ها، «جهانی شدن»؛ در حیطه ساختار و وظایف، «ارائه خدمات تخصصی»؛ و در حیطه عوامل محیطی و گروه های ذی نفع، «هیات امنا»، اولویت های اصلی برای ایجاد تحولات مورد نیاز شناخته شدند. همچنین در بین حیطه های ذکر شده، حیطه «رسالت و اهداف» به عنوان با اولویت ترین حیطه برای تحولات بنیادی در دانشگاه صنعتی مالک اشتر از سوی مسئولان معرفی شده است.

واژه های کلیدی: تحولات بنیادی، سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در

افق ۱۴۰۴، دانشگاه، قانون برنامه چهارم توسعه

مقدمه

دانشگاه ها نهادهای واحد با ریشه های تاریخی مشترکند که برخاسته از جوامع مختلف می باشند و ریشه در عمق وجود آنها دارند. دانشگاهها که با هدف انتقال دانش و ارائه آموزش در راستای تعداد معدودی از مشاغل اصلی در سده های میانه تاسیس شده بودند، در قرن نوزدهم به عنوان تولید کنندگان دانش نوین بر اساس پژوهش های پایه مطرح شدند. ولی در دوران معاصر، دانشگاه در مرکز جامعه قرار گرفته و محور اصلی حرکت آن محسوب می شود. اکنون دانشگاه مهمترین نهاد در فرآیند خلق و نشر دانش است. این نهاد نه تنها جایگاه بسیاری از علوم پایه است، بلکه مرکزی برای چرخش نظام

پیچیده نثریات، کتابها و پایگاه های اطلاع رسانی که دانش را به سراسر جهان منتقل می کند می باشد. دانشگاه ها ارائه دهندگان اصلی آموزش در رشته ها و تخصص های روز افزون کنونی هستند. رشد تفکر جامعه جهانی و زمینه های آن چالش های جدیدی را برای دانشگاه ها برده است. مفهوم جوامع دانشی، از یک سو، بر اهمیت نقش دانشگاه ها به عنوان عامل اصلی آموزش و پژوهش افزوده است، و از سوی دیگر، با ایجاد رقابت استراتژیک در سازمانهای تولید کننده دانش آنها را در تلاطم حفظ بقاء از طریق پاسخگویی موثر قرار داده است. از سوی دیگر، دانشگاه تحت فشار چالش های بی سابقه ای قرار گرفته که عمدتاً از کاهش منابع مربوط به آموزش عالی ریشه می گیرد.

دانشگاه ها با گذشت حدود نیم قرن از گسترش شگرف جهانی خود اینک در بسیاری از کشورها مجبور شده اند هزینه های خود را کاهش دهند و در برخی موارد نیز حجم فعالیت های خود را کمتر کرده و در نتیجه به شکل مراکز کوچک تری در آیند. تاکنون بین جامعه و آموزش عالی توافق نانوشته ای وجود داشته که بر اساس آن دسترسی بیشتر به آموزش عالی، پژوهش و خدمات در قبال ارائه منابع بیشتر امکان پذیر بوده است. اکنون این توافق از بین رفته و در نتیجه پیامدهای مهمی برای آموزش عالی و جامعه به همراه داشته است (آلتباخ، ۱۳۷۹)^۱.

بیان مسئله

در ایران، آموزش عالی در طول بیش از هفتاد سال سابقه رسمی خود با فراز و نشیب های بسیاری روبرو بوده است، اما دانشگاه ها همواره در این مدت مرکز تربیت نیروی انسانی متخصص و منبع گسترش اندیشه های نو در جامعه بوده اند. توسعه آموزش عالی به ویژه در سالهای پس از انقلاب اسلامی شرایط جدیدی را در کشور ایجاد نموده و برنامه ریزان را بر آن داشته تا با اتکال به نظام علمی کشور و نیز خیل عظیم دانشمندان، دانش پژوهان و دانشکاران، توسعه ملی را بر اساس دانایی استوار سازند. برنامه پنج ساله چهارم توسعه به عنوان برنامه توسعه مبتنی بر دانایی که گام اول در تحقق چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران تلقی می شود، نشان دهنده عزم راسخ مسئولان برای

حاکمیت بخشیدن به دانش در امور سیاست گذاری، برنامه ریزی، اجرا، نظارت و ارزیابی است و این خود برای جامعه علمی کشور افتخاری بزرگ و مسئولیتی عظیم محسوب می شود.

سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران به عنوان معتبرترین سندی که تاکنون در راستای شناسایی و معرفی چالش های جدیدی که کشور در تفکر نوین جامعه جهانی با آنها روبروست به تصویب رسیده و از سوی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۳ به سران سه قوه و رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شده است. این سند از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۴۰۴ هجری شمسی به مدت بیست سال مبنای اصلی چهار برنامه پنج ساله توسعه قرارخواهد گرفت. ایران در سال ۱۴۰۴ کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش درجهان اسلام و تعامل سازنده و موثر در روابط بین الملل خواهد بود. جامعه ایرانی در افق این چشم انداز باید دارای ویژگی های زیر باشد:

- برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی

- دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی با تاکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم، رشد پر شتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل در راستای تحقق اهداف چشم انداز مذکور، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تصویب رسیده است. در بخش نخست فصل چهارم این قانون؛ با عنوان توسعه مبتنی بر دانایی و در ماده ۴۹، دولت موظف شده است برای زمینه سازی و تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد، دانش مدار، خلاق و کار آفرین، منطبق با نیاز های نهضت نرم افزاری و با هدف توسعه کمی و کیفی از ابتدای برنامه چهارم اقدامات زیر بنایی مختلفی را در ماموریت ها، ساختار و وظایف دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی برای پاسخگویی به نیاز های بخش های مختلف کشور به انجام برساند.

رویکرد توسعه مبتنی بر دانایی در قانون برنامه چهارم ضمن تاکید بر استقلال عملیاتی مراکز علمی و پژوهشی، وظایف، کارکردها و ماموریت های جدیدی را برای نهادهای

حوزه علم و فناوری تعریف نموده که تحقق آنها مستلزم تحولی اساسی درمبانی، روشها، ساختارها و فرآیندهای مدیریتی در سطوح مختلف عملکردی در نظام علوم، تحقیقات و فناوری است.

از سوی دیگر، نیل به هدف بزرگ ارتقای جایگاه ایران به کشوری توسعه یافته، برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری و متکی بر سهم برتر منابع انسانی و دست یابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی که بر اساس سند چشم انداز بیست ساله بر عهده بخش های مختلف نظام به ویژه نهادهای علمی و فناوری نهاده شده است، تحقق این مهم در گرو بازنگری ساختارها و بالا بردن کارایی و کارآمدی نظام علمی، تحقیقاتی و فناوری کشور می باشد. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیز در مرداد سال ۱۳۸۳ قانون جدید اهداف، وظایف و تشکیلات این وزارتخانه را به تصویب رساند. بر اساس ماده ۱۰ این قانون، استقلال عملیاتی دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی و تحقیقاتی و اداره آنها بر اساس ضوابط و آیین نامه های هیات های امانا از پایه حقوقی مستحکمی برخوردار شد (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۳). هم راستایی قانون برنامه چهارم توسعه و قانون جدید اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری زمینه های لازم برای دست یابی به اهداف سند چشم انداز را فراهم نموده ولی مستلزم بسترسازی مناسب در دانشگاه ها می باشد.

در همین رابطه، منابع انسانی به عنوان یکی از اساسی ترین ذخایر یک ملت نقش عمده ای را در توسعه جوامع بشری ایفا می کنند این رو در عصر حاضر توسعه کشورهای به میزان زیادی مدیون توانایی در شناسایی، جذب و پرورش نیروهای متعهد، توانمند و متفکر در تولید علوم و گسترش مرز های دانش و کسب فناوری است، کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. در اینجا است که نقش و اهمیت آموزش عالی به عنوان مرجع اصلی تامین نیروی متخصص بخش های مختلف جامعه و همچنین بستر سازی فرهنگی از طریق ارتقاء سطح دانش عمومی و برآورده ساختن نیاز های معنوی جویندگان علم نمایان می شود، به ویژه اینکه چالشهای جهانی شدن به عنوان یک موتور محرک قدرتمند فرصت های مطلوبی را در اختیار دست اندرکاران آموزش عالی قرار داده است که در صورت عدم استفاده مناسب از آنها، چاره ای جز تحمل تهدیدها و عواقب ناشی از آن

نخواهند داشت (برن بام، ۱۳۸۲). در این رابطه سند نهایی چشم انداز بیست ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران راه گشاست. بر اساس این سند، که به سران سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ گردیده، و قرار است از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۴۰۴ هجری شمسی (به مدت بیست سال) مبنای اصلی قوانین چهار برنامه پنج ساله توسعه آینده کشور باشد، جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴ کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین الملل خواهد بود (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۳).

در راستای تحقق اهداف چشم انداز مذکور، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ به تصویب رسیده است. در بخش چهارم (توسعه مبتنی بر دانایی) و در ماده ۴۹ این قانون دولت موظف شده است برای زمینه سازی و تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد، دانش مدار، خلاق و کار آفرین، منطبق با نیازهای نهضت نرم افزاری و با هدف توسعه کمی و کیفی از ابتدای برنامه چهارم اقدامات زیر بنایی مختلفی را در ماموریت ها، ساختار و وظایف دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی برای پاسخگویی به نیازهای بخش های مختلف کشور به انجام برساند (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۳).

داند که تمامی لایه ها و سطوح توسعه را بتواند تحت تاثیر خود قرار دهد و از آن به عنوان انقلاب دوم نام برده و معتقد است سند چشم انداز علاوه بر در برداشتن اهداف آینده ایران، چارچوبی است برای یک تحول اساسی اقتصادی اجتماعی که مکمل تحول سیاسی در انقلاب اول یعنی ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ می باشد (رضایی، ۱۳۸۵). سیاهپوش به بررسی فرآیند توسعه بر اساس سند چشم انداز کشور پرداخته و از توسعه به عنوان مهم ترین هدف سند یاد کرده است. وی معتقد است که برای رسیدن به توسعه پایدار باید دانش توسعه گسترش یابد که بخشی از این دانش به ویژگیها و بخشی نیز به مراحل تحقق آن تعلق دارد (سیاهپوش، ۱۳۸۵).

از سوی دیگر، طباطبایی یزدی و نجفی اعتقاد دارند که یکی از پیش شرطهای عمده در مسیر دست یابی به جایگاه اول در منطقه آسیای جنوب غربی، انجام دادن کلیه فعالیت

ها و اقدامات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در چارچوب برنامه های ۵ ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است. آنها با بررسی ۱۶ شاخص کلان اقتصادی در ۷ کشور با ثبات اقتصادی در منطقه به این نتیجه رسیده اند که وضعیت فعلی ایران در منطقه آسیای جنوب غربی نسبتاً نامناسب است و راه بسیار دشوار و پر تلاشی را برای کشور پیش بینی کرده اند (طباطبایی یزدی و نجفی، ۱۳۸۵). برادران شرکا در مقایسه سیاست های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و احکام برنامه چهارم توسعه، در خصوص مواد ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۲ به سازماندهی و بسیج امکانات و ظرفیت های کشور در جهت افزایش سهم کشور در تولید علمی جهان، تقویت نهضت نرم افزاری و ترویج پژوهش، کسب فناوری به ویژه فناوری های نو، شامل نانوتکنولوژی و فناوریهای زیستی، اطلاعات و ارتباطات زیست محیطی، هوا فضا و هسته ای و در مورد مواد ۴۸، ۴۹، ۵۰ به اصلاح نظام آموزشی کشور، شامل آموزش و پرورش، آموزش فنی و حرفه ای، آموزش عالی و کارآمد کردن آن برای تامین منابع انسانی مورد نیاز در جهت تحقق اهداف چشم انداز اشاره کرده است (برادران شرکا، ۱۳۸۵). حیدری عبدی معتقد است برنامه های توسعه آموزش عالی ضرورتاً باید با برنامه های توسعه کشور هماهنگی داشته باشد و اشاره می کند که در برنامه های توسعه، دولتها، اهداف و استراتژیهای لازم را تدوین و بودجه لازم را برای تحقق آنها پیش بینی می نمایند و این برنامه ها در برگیرنده تمامی وزارتخانه ها و سازمانهاست و یکی از این ارگانهای مهم نظام آموزش عالی کشور است که نقش اساسی در تحقق اکثر هدفهای برنامه های یاد شده دارد و ضروری است که به آنها توجه جدی شود (حیدری عبدی، ۱۳۸۵).

عزتی در تحقیقی به ارزیابی انطباق برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با اهداف سند چشم انداز کشور پرداخته و معتقد است اگر جایگاه ویژه ای برای اهداف سند چشم انداز در برنامه ها در نظر گرفته نشده باشد باید بازنگری در آن انجام شود، به ویژه اگر برنامه مربوط به توسعه کشور باشد. بر همین اساس، عزتی اعتقاد دارد که برنامه های توسعه کشور دارای اهداف کمی محدود بوده و به همین لحاظ حتی در صورت تحقق آنها، وضعیت ایران از نظر رتبه به جایگاه اول نخواهد رسید، بلکه در بسیاری از شاخص ها از وضعیت نسبی موجود در منطقه نیز عقب تر خواهیم بود (عزتی، ۱۳۸۵). پسندیده اعتقاد دارد که جامعه

دانیی محور اساس تحقق توسعه کشور می باشد و ایران برای رقابت و بقا در عصر اطلاعات که جوهره آن خلاقیت و فرهیختگی است ناچار به اتخاذ راهبردهای مبتنی بر دانایی و خلاقیت در زمینه های مختلف منجمله آموزش منابع انسانی، تدوین استراتژیهای متناسب با تغییرات جهانی، جذب اندیشه های نخبگان ملی و جهانی در سازوکار کشور می باشد (پسندیده، ۱۳۸۵). مهدیان به موضوع توسعه فناوری پرداخته و از دیدگاه مراجع مختلفی همچون فرهنگستان علوم، سند ملی زیست فناوری، برنامه سوم توسعه، برنامه چهارم توسعه و سند چشم انداز، مقایسه ای بین فناوریهای اولویت دار برای توسعه کشور را انجام داده است (مهدیان، ۱۳۸۵). بر این اساس، سوالی که این مقاله در جستجوی پاسخی برای آن می باشد این است که: چه تحولات بنیادی در دانشگاه های کشور باید صورت گیرد تا بتوان موجبات دست یابی به اهداف مبتنی بر دانایی را در راستای اهداف سند چشم انداز بیست ساله فراهم نمود؟ در این راستا و در جهت پاسخگویی به این سوال، مقاله حاضر یکی از دانشگاه های دولتی کشور را به عنوان مطالعه موردی انتخاب کرده تا پاسخ به سوال فوق را در آنجا مورد تحقیق و بررسی قرار دهد.

ضرورت تحقیق

بعد از پایان جنگ ایران و عراق (۱۳۶۷-۱۳۵۹)، شرایط جدیدی در کشور ایجاد شد که تصمیمات تازه ای را می طلبد. کاهش فشارهای ناشی از جنگ و تنش های داخلی، تمرکز گریزی موسسات علمی و پژوهشی و گذشت چند سال از اداره دانشگاه ها به شیوه متمرکز، این واقعیت را ثابت کرد که دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی و پژوهشی باید از اختیارات بیشتری برخوردار باشند. از این رو، در سال ۱۳۶۷، پس از گذشت ۱۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی و پشت سر گذاشتن چندین سال تجربه انقلاب فرهنگی و درکنار آن فعالیت «ستاد انقلاب فرهنگی» و سپس «شورای عالی انقلاب فرهنگی» با توجه به مقتضیات و وضعیت جدید کشور، اندیشه احیا و شکل گیری دوباره دانشگاه ها با هدف اعطای استقلال بیشتر به آنها در خط مشی گذاری و تصمیم گیری مورد توجه قرار گرفت و قوانین و مصوبات جدیدی در این زمینه تصویب شد که مهمترین آنها در رابطه با هیات های امنای در راس هرم دانشگاه ها عبارتند از (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۰):

- قانون تشکیل هیات های امنای دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی و پژوهشی، مصوب سال ۱۳۶۷ مجلس شورای اسلامی؛

- اصلاح و تکمیل قانون تشکیل هیات های امنای دانشگاه ها در رابطه با ترکیب هیات های مذکور، مصوب دویست و سی و نهمین جلسه مورخ ۳۰ بهمن ۱۳۶۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی؛

- تشکیل موقت دو هیات امنای مجزا برای دانشگاه های وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مصوب دویست و سی و نهمین جلسه مورخه ۳۰ بهمن ۱۳۶۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی؛

- دستور العمل نحوه بررسی و اعلام نظر در مورد صورتجلسات هیات های امنای کمیسیون های خاص هیات های امنای دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی و پژوهشی و ابلاغ مصوبات، مصوبه مورخ ۴ دی ماه ۱۳۷۰؛

- اصلاح ماده یک و پنج قانون تشکیل هیات های امنای دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی و پژوهشی، مصوب دویست و هفتاد و پنجمین جلسه مورخ ۲۵ فروردین ۱۳۷۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی؛

- شمول استفاده فرهنگستان ها از قانون تشکیل هیات های امنای دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی و پژوهشی، مصوب دویست و هفتاد و پنجمین جلسه مورخ ۵ فروردین ۱۳۷۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

در شرایطی که سند نهایی چشم انداز بیست ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در سال ۱۳۸۳ برای اجرا به سران سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ گردیده و در پی آن قانون برنامه چهارم توسعه نیز تصویب شده، انجام دادن تحقیقی در زمینه اجرایی شدن ماده ۴۹ و در واقع بستر سازی مناسب در دانشگاه ها برای دست یابی به اهداف توسعه مبتنی بر دانایی کشور بسیار حائز اهمیت بوده و ضرورت پیدا کرده است. به ویژه آن که طی سال های گذشته، کشور با تحولات سریعی در فناوری های مختلف مواجه گردیده و مسئولان نظام نیز با پذیرش شرایط جهانی سعی در استفاده از فرصت به وجود آمده نموده و در افق بیست ساله جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی را برای کشورمان هدف گذاری

نموده اند. در راستای امور اقتصادی اگرچه دولت اقدامات گسترده ای در جهت گام برداشتن به سوی کوچک سازی سازمان ها و شرکت ها و کاهش انحصارات و در نتیجه توسعه و گسترش بخش خصوصی نموده که این نیز خود محوریت دانش را طلب می کند، اما آیا دانشگاه های فعلی جوابگوی چالش های جهانی در زمینه های علمی و فناوری و نیازهای آن برای کشور می باشند؟ بر این اساس و در مسیر تحقق آرمان ها و اصول قانون اساسی و موفقیت در اقتصاد رقابتی قطعا ایران به نیروی انسانی کارآمد نیاز دارد و در این میان نقش دانشگاه ها در تربیت این نیروی کارآمد غیر قابل انکار است.

لذا ضروری است ببینی که در حال حاضر همچون چتری بر دانشگاه ها و دانش آموختگان آنها گسترده شده و در صدد ارائه و تصویب قوانین و مقرراتی است که عمدتاً سیاست های یک سویه و متمرکز را بر اساس یک نظارت مرکزی دنبال می نماید و در واقع محیط آموزشی تک بعدی را صرفاً به صورت تقلید از الگوهای قدیمی غربی پرورش می دهد (آهون منش و همکاران، ۱۳۸۱) مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته تا دانشگاه ها بتوانند در راستای اهداف چشم انداز بیست ساله توسعه کشور تصمیمات مقتضی را اتخاذ نمایند. اینک که قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و جهت اجرا ابلاغ گردیده و به نیمه راه خود رسیده، فرصت مناسبی است تا رویکرد های این برنامه در خصوص توسعه علمی مورد بررسی قرار گیرند و به اهدافی که این برنامه در صدد تحقق آنهاست عنایت ویژه ای مبذول گردد. توجه به این نکته بسیار حایز اهمیت است که در جای جای این برنامه از واژه هایی استفاده شده که پایه گذاری توسعه بخش های مختلف کشور را بر دانش و دانایی نشان می دهد. عبارت هایی مانند «اقتصاد ملی دانایی محور»، «بازار محصولات دانایی محور و دانش بنیان»، «پیاده سازی نظام ملی نوآوری»، «ایجاد و توسعه شرکت های دانش بنیان» و «توسعه ساختارها و زیر بناهای لازم برای رشد فعالیت های دانایی محور» حاکی از روح حاکم بر برنامه در جهت استوار ساختن فعالیت های اقتصادی و اجتماعی بر اساس دستاورد های علمی و پژوهشی است. به این ترتیب بر اساس مهمترین سند راهبردی کشور نقش دانش، پژوهش و فناوری به رسمیت شناخته شده است و این امر حکایت از اراده معطوف به عمل در مسئولان کشور برای تحقق شعار های «توسعه مبتنی بر دانایی^۱» و «توسعه علمی شرط بقا» دارد (فاضلی، ۱۳۸۳).

مبانی و چارچوب نظری

تعریف مفاهیم

- توسعه مبتنی بر دانایی: توسعه به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و یا انسانی تر بر اساس دانش است (تودارو^۱، ۱۳۷۳).
- رسالت سازمانی^۲: عبارت از بیانیه ای است که انتظارات، اهداف و مأموریتی را که هدف تعالی سازمان مورد نظر می باشد، مشخص و بیان می کند (دیوید^۳، ۱۹۹۱).
- تحول سازمانی^۴: تلاشی است بلند مدت برای بهبود فرآیند حل مسئله و عملکرد سازمان به ویژه از طریق مدیریت موثر و مشارکتی بر فرهنگ سازمان با تاکید بر فرهنگ گروه های کاری و با کمک یک عامل تغییر یا تسهیل کننده (فرنچ و بل^۵، ۱۳۸۵، ص ۱۶۶).
- آموزش عالی^۶: هر گونه مطالعه یا مهارت آموزی یا آموزش برای پژوهشی در سطوح بعد از متوسطه است که توسط یک نهاد دانشگاهی یا سایر موسسات آموزشی که توسط مقامات ذی صلاح حکومتی به عنوان موسسه آموزش عالی شناخته شده است، ارائه می گردد (یونسکو^۷، ۱۳۷۸).
- استراتژی سازمانی^۸: الگو یا برنامه ای است که هدفهای بنیادی، سیاستها و زنجیره اقدامهای یک سازمان را در قالب یک مجموعه منسجم نظام می بخشد (رابینز^۹، ۱۳۸۳، ص ۹۲).

ب- مرور ادبیات موضوع

به منظور پی بردن به جزئیات امر بهبود و تحول در یک سازمان، در درجه اول لازم است به این مسئله اساسی توجه شود که "سازمان عبارت است از یک سیستم اجتماعی" و هر سیستم اجتماعی ویژگی های ساختاری و موقعیت و هویت خاصی دارد. همان طور که نحوه مرادده و تعامل با یک سیستم اجتماعی نیازمند دانش و اطلاعاتی در باره آن سیستم است، بهبود و توسعه در هر سیستمی نیز تابع تعامل عالمانه با اجزای آن است

1. Toudaro
2. Organizational Mission
3. David
4. Organizational Development
5. French and bell
6. Higher Education
7. UNESCO
8. Organizational Strategy
9. Robins

(تسلیمی، ۱۳۸۰، ص ۴۶). در صورتی سازمان قادر به تحقق بهبود خواهد شد که ویژگی سیستمی باز و منعطف را دارا بوده، پذیرای عوامل دخالت کننده و تحول دهنده باشد. پیش بینی چنین سیستمی در طراحی اولیه سازمانها برای اینکه بتوانند در زمان و شرایط مطلوب برنامه های تحول را در قالب عامل های کلان با روش سیستمی به اجرا گذارند ضروری است. مدل سیستمی تصویر واضحی را از عامل های کلان مانند داده ها، فرایندها، ستاده ها، بازخوردها و محیط (ها) در هر مرحله به طور مجزا ارائه و دورنمای روشنی در اختیار قرار می دهد. به این مفهوم که در هر نوبت بازخورد، اخذ منابع و اطلاعات جدیدی از محیط (ها) و استفاده از آنها برای دور جدید حرکت سیستمی، که همان مرحله دیگر بهبود است، لازم می باشد تا موجبات تغییر و تحول شایسته سازمان را با توجه به شرایط جدید فراهم کند و این کنترل مرحله ای در حین فرایند، هماهنگی میان اجزا و بخش ها را با کل سیستم حفظ می کند (تسلیمی، ۱۳۸۰، ص ۵۹).

طبق نظر بکهارد^۱، جنبش بهبود سازمان به عنوان شیوه ای که گرایش سیستمی دارد و بر استراتژی های تغییر برنامه ریزی شده متکی است، مناسب ترین روند برای مواجه شدن با دگرگونی های سازمانی به شمار می رود (بکهارد، ۱۳۸۰). بر این اساس، نظریه سیستم ها بعنوان یکی از مبانی تحول سازمان ها را به عنوان سیستم های باز در نظر می گیرد. سیستم هایی که با محیط های پیرامون خود نوعی بده بستان فعال دارند (فرنج و بل، ۱۳۸۵، ص ۷۲) رویکرد سیستمی در رابطه با مدیریت تحول سازمان ها را به عنوان یک سیستم یکپارچه و تشکیل شده از یگان های به هم وابسته می داند و چنین نگرشی مدیران را وادار می کند تا به جای تاکید بر یک بخش سازمان، به سیستم گسترده تر یعنی کل سازمان توجه داشته باشند و نقش خود را در چارچوب هدفهای این سیستم گسترده و فرآیندهای مربوط به آن تعیین و اجرا کنند. همچنین برای دستیابی به کارایی و ادامه ثمر بخشی دانشگاه ها، مدیریت سیستم گرا باید دو هدف و الزام ویژه را دنبال نماید. اول اینکه، هدف و سمت گیری هر برنامه تحول باید گرایش برون سازمانی داشته باشد تا بتواند تغییرات و دگرگونی های محیط برونی را به طور کامل لحاظ نماید. دوم اینکه،

برنامه تحول در راستای بهینه سازی کل سیستم گام بر دارد و هدف کل سیستم بر اهداف هر یک از زیرسیستم ها و یا ترکیبی از آنها برتری داشته باشد (زمردیان، ۱۳۷۱، ص ۸۷). کاربرد مهم دیگر نظریه سیستم ها در تحول سازمان طرح ریزی سیستم های باز است که عبارت است از کندوکاو در محیط برای تعیین خواسته ها و انتظارات سازمان های خارجی و ذی نفعها، تدوین سناریوهای آینده احتمالی سازمان هم از جنبه واقع گرایانه و هم از جنبه آرمانی و هم از جهت تدوین طرح عملی برای حصول اطمینان از اینکه نوعی آینده مطلوب رقم خورد (فرنچ و بل ، ۱۳۸۵، ص ۱۹). بر اساس گفته سنج^۱، دارا بودن تفکر سیستم های باز برای ایجاد سازمان های یادگیرنده یک ضرورت است. سازمان های یادگیرنده قادرند به طور موثر خود را با تغییرات شتابانی که در خواسته های محیطی رخ می دهد، تطبیق دهند. سنج معتقد است که برای ایجاد سازمان یادگیرنده تبصره در پنج موضوع ضروری است: مهارت شخصی، مدل های ذهنی، ایجاد دیدگاه مشترک، یادگیری گروهی و تفکر سیستمی. او اظهار می دارد که اصل تفکر سیستمی چهار موضوع دیگر را تلفیق و آنها را در قالب نظریه و عمل در می آورد (سنج، ۱۹۹۹).

با توجه به اصل تفکر سیستمی، محورهای ماده ۴۹ نشأت گرفته از نیازهای اجتماعی، نیازهای بازار کار و تحولات علمی می باشند که جملگی بر نقش دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی در حوزه علم، مبانی علمی و استحکام پایه توسعه پایدار حکایت دارند که می توانند با تحقیقات کاربردی، نمونه سازی، طراحی و مهندسی و تولید دانش فنی، ابعاد فناوری توسعه پایدار را غنا بخشند (قورچیان، ۱۳۸۳) به گفته قورچیان، دانشگاه ها در هزاره سوم در اشکال مختلف خود از جمله دانشگاه چند نهادی^۲، دانشگاه از راه دور^۳، دانشگاه مجازی^۴ و دانشگاه بزرگسالان^۵ مجسم می گردند که طیف وسیعی از دانش سنتی، دانش مجازی، دانش شبکه ای، دانش فناوری اطلاعات و ارتباطات، سوپر مارکتهای مدرن علمی و هوشی و... را در بر می گیرند و از طریق رسالت های آموزشی، پژوهشی، خدماتی، انتشاراتی، فناوری، نیاز آفرینی، نو آوری و... در اشکال فرا مدرن، خدماتی به

1. Senge
2. Multiversity
3. Televersity
4. Virtuversity
5. Andraversity

سه نسل سنتی^۱، اطلاعاتی^۲ و دیجیتالی^۳ ارائه می دهند. بر این اساس، دانشگاه به عنوان مرجع علمی، آموزشی و تحقیقاتی نقش مشروعیت بخشی به فرآیند ایجاد توسعه پایدار در جامعه جهانی، ملی و محلی را دارد. اگر قلب توسعه پایدار را انسان توسعه یافته بدانیم، دانشگاه می تواند متناسب با سطوح تحصیلی مختلف یک ژنراتور آگاهی، دانش و مهارت در انسانها تعبیه کند که ماحصل آن تجهیز دانش آموختگان به معرفت و سواد محیطی، سواد بصری، سواد بهداشتی، سواد اکولوژیک و سواد فناوری اطلاعات و ارتباطات خواهد بود. این ژنراتور با مدد تئوکراسی و بالنز معنویت شارژ می شود و خدمات حرفه ای گسترده و پایداری ارائه می دهد (قورچیان، ۱۳۸۱).

زالی معتقد است ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه یکی از مترقی ترین قوانین برای پیشبرد اهداف آموزشی، علمی و فرهنگی دانشگاه هاست و با تصویب آن بستر مناسب علمی برای تحقق اهداف عالی دانشگاه ها در کشور فراهم شده است که حمایت و همدلی اعضای دولت و مجلس زمینه تحقق آن را فراهم کرده است. وی معتقد است بازنگری در سیستم دانشگاهی از ضروریات برای تحقق استقلال دانشگاه هاست (زالی، ۱۳۸۴). باقری لنگرانی نیز اعتقاد دارد که ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه نقطه عطفی در تاریخ ۱۰۷ ساله آموزش عالی کشور می باشد و تغییر در هیات امنای دانشگاه ها را برای تحقق آن الزامی می داند (باقری لنگرانی، ۱۳۸۴). باباجانی با اشاره به ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم استقلال اعطا شده از سوی این ماده به دانشگاه ها را فرصتی ارزشمند تلقی نموده و معتقد است اگر دانشگاه ها نتوانند از این فرصت طلایی استفاده نمایند، شرایط برای بازگشت به وضعیت گذشته فراهم خواهد شد و به عبارتی فرصت به وجود آمده به تهدیدی بزرگ برای دانشگاه ها تبدیل می گردد (باباجانی، ۱۳۸۵).

به اعتقاد احمدی دستجردی و همکاران، محیط متحول، نامعین، پیچیده و آشوبناک دانشگاه ها بر این نکته تاکید دارد که دانشگاه ها بیش از هر زمان دیگری نیازمند هوش سازمانی و یادگیری سازمانی هستند تا به کمک آنها ظرفیت و توانایی مراجعه فعال و تطابق کنشگرانه با محیط را داشته باشند. تنوع در منابع مالی، تحلیل برنامه ها و عملکرد

آموزشی، توسعه چشم اندازها، باز تعریف ماموریت‌ها، طراحی راهبردی مناسب با مدیریت دانش، همگی مویذ این نیاز روز افزون می‌باشند. آنها معتقدند که دانشگاه‌ها نیازمند ساختاری جدید می‌باشند که مشارکت همگرایانه تمام ذی‌نفعان (مانند هیات‌امنا، قانونگذاران، مشتریان، خانواده‌ها و...) را در فرآیند تحلیل و ارزشیابی خط‌مشی‌ها و برنامه‌ها و عملکرد دانشگاه‌ها و تعریف ماموریت‌های آن تسهیل کنند (احمدی دستجردی و همکاران، ۱۳۸۱). آراسته معتقد است باید ساختار دانشگاه‌ها بر اساس اصول قدرت جامعه دانشگاهی و نه سلسله‌مراتب قدرت طراحی شود و هم‌اکنون این فرصت با تصویب ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه که به زعم وی پیشرفته‌ترین قانون در تاریخ آموزش عالی کشور است، ایجاد شده است. بر این اساس، وی تقسیم‌قدرت در میان گروه‌های ذی‌نفع را الزامی دانسته و اعتقاد دارد هر یک از ذینفعان باید برحسب ضرورت دارای قدرت تصمیم‌گیری باشند. به اعتقاد آراسته، وظیفه اصلی رئیس دانشگاه اداره بهینه دانشگاه برای دست‌یابی به ماموریت‌هایش، است ولی به دلیل نظام متمرکز آموزش عالی کشور، دانشگاه‌ها تحت‌تأثیر برنامه‌ها، سیاست‌ها و قوانین این نظام قراردارند، نقش روسای دانشگاه‌ها به نقشی نمادین تبدیل شده و اجرای فصل چهارم قانون برنامه چهارم توسعه، به ویژه ماده ۴۹ که در آن بر موضوع هیات‌امنایی و خودگردانی دانشگاه تأکید شده است، قدمی مثبت در این جهت می‌باشد که باید با تفویض قدرت به دو زیرمجموعه تخصصی و مدیریتی و طراحی ساختار دانشگاه‌ها بر اساس استقلال سازمانی و خودگردانی محقق شوند (آراسته، ۱۳۸۰).

حیطه‌های تحول

بی‌تردید، تحول در ابعاد مختلف مستلزم طراحی دقیق فرآیند‌گذار به وضع مطلوب و اصلاح تدریجی شیوه‌ها و مکانیزم‌ها از طریق تدوین آیین‌نامه‌ها و سعی در حفظ هماهنگی و یکنواختی در اجزای مختلف نظام علم و فناوری در کشور می‌باشد. با توجه به رویکرد سیستمی و دیدگاه استراتژیک، تغییرات گسترده‌ای باید صورت پذیرد تا ماده ۴۹ برنامه چهارم توسعه، که دولت را موظف نموده تا ضمن زمینه‌سازی لازم نسبت به تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد، دانش‌مدار، خلاق و کارآفرین اقدام نماید

تحقق یابد. در این زمینه دیدگاه های مختلفی در رابطه با موضوعات و حیطه های مورد بحث در آموزش عالی بر اساس تحولات جدید وجود دارد. فلت^۱ شناخت آموزش عالی معاصر را یک ضرورت می داند و اعتقاد دارد هر نوع تجزیه و تحلیل برای شناخت و برنامه ریزی برای آموزش عالی باید حاوی جنبه های زیر باشد (فلت، ۲۰۰۴):

اول اینکه، دانشگاه ها به عنوان نهادهای تولید کننده دانش اصلی ترین نقش را در ارتقای سطح آموزش و پژوهش جامعه به عهده دارند. جوامع بشری در مسیر انتقال به سوی جوامع دانشی قرار گرفته اند و این بدان معنی است که دانش و ساختارهای مولد دانش را تولید، نشر و به کار می گیرند و نقش اصلی در تولید جامعه دارند و در تغییرات اجتماعی مبتنی بر فرآیند پیشرفت علمی و فناوری، موثرند. دوم اینکه، گسترش، تنوع و تفکیک علم موجب ارتقای سطح دانشگاه ها شده و تبعات مثبتی برای دانش و چگونگی ایجاد آن در برداشته است. کاربران مستعد دانش شروع به ایفای نقش در فرآیند تولید دانش کرده و بر ارزیابی کیفیت یافته های علمی و تاثیر شان بر جامعه تاکید می نمایند. سوم اینکه، به دانشگاه به عنوان یک نهاد در میان شبکه ای از نهادهای اجتماعی توجه شود. در جامعه، نظام های مختلفی همچون اقتصاد، بازار کار، سیستم اجتماعی و سیاسی و غیره در سطوح مختلف کشوری، منطقه ای و جهانی وجود دارند. دانشگاه ها باید در این شبکه جایگاه خود را پیدا کرده و از طریق تعریف مجدد وظایف خویش فضای لازم را برای استقلال نظر و نوآوری بگشایند. بعلاوه، دانشگاه ها را باید نهادهایی قلمداد کرد که با وجود محلی بودن، دامنه فعالیت جهانی دارند.

نان^۲ بر لزوم توجه به چالش های مدیریت و برنامه ریزی در آموزش عالی تاکید دارد. به نظر وی دانشگاه ها با بدیل های متفاوتی در زمینه مدیریت و برنامه ریزی مواجه هستند که انتخاب از بین آنها بر دشواری های آموزش عالی می افزاید. این چالش ها عبارتند از مباحث مربوط به نگرش های توسعه و خط مشی های آن نحوه اصلاح بخش عمومی و ارتباط آن با آموزش عالی، نظارت دولت بر آموزش عالی، چگونگی عملکرد و پاسخگویی در آموزش عالی و جنبش تضمین کیفیت در آموزش عالی. وی معتقد است چالش اصلی آموزش عالی را

باید در لزوم آزاد سازی^۱ و تجاری نمودن آن دانست. وی منظور از آزادسازی را به کارگیری روشهای سازمان تجارت جهانی^۲ از طریق تغییرات رسمی، قانونی، سازمان یافته و حذف یارانه های دولتی می داند. تجاری سازی نیز به تعریف مجدد تولیدات و دستاورهای آموزش عالی به عنوان کالای قابل فروش اشاره دارد که از طریق اصلاح فرآیند تولید امکان پذیر می گردد (نان، ۲۰۰۱). گیدنز^۳ بر نقش دولت به عنوان سرمایه گذار اجتماعی تاکید کرده و اعتقاد دارد سرمایه گذاری حکومت در آموزش یک ضرورت اساسی دنیای معاصر است و بهترین نوع سرمایه گذاری را سرمایه گذاری در منابع انسانی دانسته است (گیدنز، ۱۳۷۸). شاتوک^۴ معتقد است دانشگاه ها در تمامی کشورهای جهان در آینده تحت فشارهای ناشی از افزایش سریع تعداد دانشجویان، کاهش قیمت واحدهای درسی، افزایش کنترل دولت و افزایش ناخرسندی عمومی از روند فعلی نظام آموزش عالی، دچار نوعی بحران هویت خواهند شد. وی اعتقاد دارد که با این روند نیرو و منابع دانشگاه ها برای حفظ هویت خود به مثابه یک نهاد مستقل روبه کاهش گذاشته است و حتی اگر منابع جدیدی نیز در دسترس باشند، از آنها برای حل مشکل افزایش بیش از حد دانشجویان و کمبود تاسیسات زیربنایی استفاده خواهد شد نه در جهت حمایت از نوآوری، دیدگاه های نو و تحولات جدید علمی. همچنین ویلبر و میر^۵ اظهار می نمایند که دانشگاه ها با انواع مختلفی از چالش ها رو برو هستند که منشا آنها تغییر و تحولات جمعیتی، اقتصادی، فناوری و اجتماعی است. با وجود این، تحولات یاد شده وجود نیروی کار تحصیل کرده تر را ایجاب می کند و تقاضای جدیدی را در مقابل آموزش عالی قرار می دهد. گینکل نیز معتقد است که دانشگاه ها در چشم انداز سالهای آتی با چالش های متفاوتی مواجهند که از جمله می توان به بین المللی شدن، نوآوری و خلاقیت، ارزیابی کیفیت و انسجام در علم و دانش اشاره نمود.

بانک جهانی^۶ به برخی دیگر از چالش های آموزش عالی اشاره کرده و مهمترین آنها را مسئله تامین بودجه عنوان نموده است. بانک جهانی معتقد است که به رغم اهمیت آشکار

1. Liberalization
2. World Trade Organization (WTO)
3. Gidenz
4. Shattuck
5. Wilbur & Meier
6. World Bank

آموزش عالی برای رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی، سرمایه گذاری در این بخش در کشورهای صنعتی و در حال توسعه به مرحله بحرانی رسیده است. در تمامی کشورهای جهان، آموزش عالی به شدت به بودجه دولت متکی می باشد. بانک جهانی اعلام می نماید در عصری که دشواری ها و تنگناهای مالی بسیاری از کشورهای جهان را آزار می دهند، کشورهای صنعتی و در حال توسعه هر دو با چالش چگونگی حفظ و بهبود کیفیت آموزش عالی مواجهند زیرا بودجه های آموزشی و به ویژه هزینه های سرانه دانشجویان سخت در تنگنا قرار گرفته است. عوامل هنجاری نیز از طریق شکل گیری ارزش ها نحوه ارتباط اجتماعی آموزش و پژوهش را تعریف می کنند. دانشگاه به دنبال گسترش نفوذ اجتماعی و ایجاد فضایی است که امکان تصمیم گیری مستقل در آن وجود داشته باشد و این امر منجر به ایجاد یک مرز کاری بین دانشگاه و جامعه می گردد. در این فضا، دانشگاه ها به عنوان نهادهای تولید کننده دانش از جامعه تاثیر گرفته و به نوبه خود بر جامعه تاثیر می گذارند.

گرین^۱ اعتقاد دارد که دانشگاه ها از یک بدنه انتزاعی جویای استقلال برخوردارند و مفاهیمی نظیر آزادی دانشگاهی و پاسخگویی در آن ها به عنوان ارزش معرفی می گردند. به اعتقاد گرین، منافع اجتماعی بر استقلال دانشگاه ها تاثیر می گذارند. این منافع قادر به تضعیف یا تقویت استقلال دانشگاه ها بوده و مرز نظام دانشگاهی را تعیین می کنند. مکانیزم های مختلف اجتماعی که از طریق آنها جامعه می تواند نگرش ها، ارزش ها و اولویت های خود را به دانشگاه تحمیل نماید نیز بر مرز کاری دانشگاه تاثیر می گذارند (گرین، ۱۹۹۹). از طرفی، دانشگاه بیش از هر موسسه دیگری تحت تاثیر نظریه های نمادین یا فرهنگی است. ماهیت ساختار و فرآیندهای دانشگاه در ارتباط با ارزش ها و هنجارها تعیین می شود. این ارزش ها بیانگر آرمانها و خواسته های مسلط بر نظام دانشگاهی است که به صورت هنجار در آمده و بر عملکرد دانشگاه تاثیر می گذارند. بچر^۲ با ارائه یک الگوی تحلیلی به بررسی ارزش ها و منافع مسلط بر نظام دانشگاهی پرداخته و فرایندهای هنجاری شدن و عملیاتی شده آنها را تحلیل نموده است. به نظر وی، چهار رویکرد ارزش گذاری در دانشگاه وجود دارد که به فعالیت های دانشگاهی شکل می دهند. این رویکردها عبارتند از: ارزش های حرفه ای، ارزش های

مدیریتی، ارزش های بازار، منفعت اجتماعی (بچر، ۱۹۹۲). به نقل از آراسته و همکاران و در همین رابطه گید، فایول و کلارک نیز صیانت از استقلال دانشگاه و پاسخگویی به نیازهای جامعه را از وظایف هیات امنای دانند (آراسته و همکاران، ۱۳۸۶).

حیدری به بررسی نقش نظام آموزش عالی کشور در زمینه ایجاد هماهنگی بین برنامه سوم توسعه کشور و برنامه های توسعه دانشگاه ها پرداخته و ضمن بر شمردن مشکلات ناشی از عدم وجود ارتباط بین برنامه های دانشگاه ها و نیازهای بازار کار، به اقدامات انجام شده از سوی وزارت علوم تحقیقات و فناوری در این راستا اشاره نموده و معتقد است که با توجه به جمعیت ۴۰ میلیونی زیر ۲۵ سال کشور باید هر گونه تحول در برنامه های آموزش و اشتغال را بر مبنای استفاده بهینه از توان، کارآفرینی و خلاقیت آنان بنا نهاد (حیدری، ۱۳۸۴). انتظاری با اشاره به گسترش فعالیتهای توسعه دانش و مبتنی بر دانش و جهانی شدن فراگیر، فاز جدیدی از توسعه را تحت نام اقتصاد دانش مطرح نموده است. او معتقد است که ایران برای ادغام در اقتصاد جهانی تلاش فوق العاده ای انجام نداده و فعالیتهای مبتنی بر دانش در آن بی هویت و وارداتی است و اینکه تحقیقات نهادی یا دانشگاه پژوهی^۱ در دانشگاه های ایران بسیار جزئی و پراکنده است و اعتقاد دارد که شرط لازم برای توسعه دانشگاه های کشور تحقیقات نهادی می باشد (انتظاری، ۱۳۸۳).

اسماعیلی موضوع کیفیت در دانشگاه ها را مطرح نموده و معتقد است که مشتری محوری اصلی مهم در تحول فرهنگ کیفیت در مراکز آموزشی می باشد (اسماعیلی، ۱۳۸۳). روشن با در نظر گرفتن دانشگاه به عنوان یک بنگاه اقتصادی مطرح نموده که دانشگاه ها مشتریان متعددی از جمله دانشجویان، کارفرمایان، دولت و سایر سازمانهای غیر انتفاعی دارند و در این بین دانشجویان را هم به عنوان مشتری و هم به عنوان کالای تولید شده در نظر گرفته و اظهار می دارد که لازم است دانشگاه ها بر پایه مشتری مداری عمل نموده و نیازها و خواسته های آنان را محور تحولات خود قرار دهند (روشن، ۱۳۸۳). میزیکاسی^۲ به نیاز برای تحول در آموزش عالی در سالهای اخیر اشاره نموده و اینکه دانشگاه ها در جستجوی یافتن سیستمهای موثر برای داشتن کیفیت مطلوب می باشند. وی اعتقاد دارد که

برای تحول اثر بخش در آموزش عالی باید از رویکرد سیستمی استفاده نمود (میزیکاسی، ۲۰۰۶). کم و ماتایسل^۱ اعتقاد دارند که کاربرد پیچیده تفکر ناب برای بهبود کیفیت و پایداری دانشگاه ها امری حیاتی است و برای اینکه دانشگاه ها بتوانند در محیط جهانی رقابت نمایند باید به کیفیت و فناوری فراتر و هزینه های کمتر از رقیبان دست پیدا کنند و اینها فقط با در نظر گرفتن عوامل مختلفی که موجبات تحول را فراهم می آورند میسر می گردند (کم و ماتایسل، ۲۰۰۳). پاوندر^۲ معتقد است که نوعی رهبری تحول گرا برای انجام دادن اصلاحات مورد نیاز دانشگاه ها ضروری است تا بتواند اثر بخش باشد (پاوندر، ۲۰۰۱). پیت^۳ بر نقش هیات های امنای تاکید کرده و اظهار می دارد که وظایف هیات امنای دانشگاه ها باید متناسب با تحولات جهانی تحول یابند (پیت، ۲۰۰۱).

مدل و الگوی تحقیق

بر اساس مروری که بر ادبیات موضوع به عمل آمد، مدل مفهومی نمودار شماره (۱) به عنوان یک مدل مفهومی جامع برای بررسی تحولات مورد نیاز در دانشگاه ها تنظیم گردید. با توجه به مدل مذکور و رویکرد سیستمی و دیدگاه راهبردی آن، دانشگاه ها در جوامع امروزی از دو مجرای اصلی یعنی عوامل محیطی و گروه های ذی نفع تحت تاثیر قرار می گیرند. گروه های ذی نفع نیز متأثر از عوامل محیطی چالش هایی را برای دانشگاه ها به وجود می آورند و بنابر این طبیعی خواهد بود که تغییرات بوجود آمده در عوامل محیطی و گروه های ذی نفع لزوم انجام دادن تحولاتی بنیادی در دانشگاه ها را غیر قابل اجتناب نمایند. با توجه به مدل ارائه شده، نقطه شروع این تحولات را باید در «درون دادها» یعنی رسالت ها، اهداف، استراتژیها و خط مشی های دانشگاه ها بنا نهاد و سپس «فرآیندها» یعنی ساختار و وظایف مناسب را برای آنها به گونه ای که بتوانند «برون دادهای» کارا و اثربخش داشته باشند مشخص نمود. بدیهی است که برای پویایی سیستم لازم است تا بر اساس بازخورد های برون دادها، علاوه بر در نظر گرفتن تاثیر آنها بر درون دادها، تاثیر آنها بر عوامل محیطی و گروه های ذی نفع نیز لحاظ گردند.

1. Comm & Mathaisal
2. Pounder
3. Payette

اهداف تحقیق

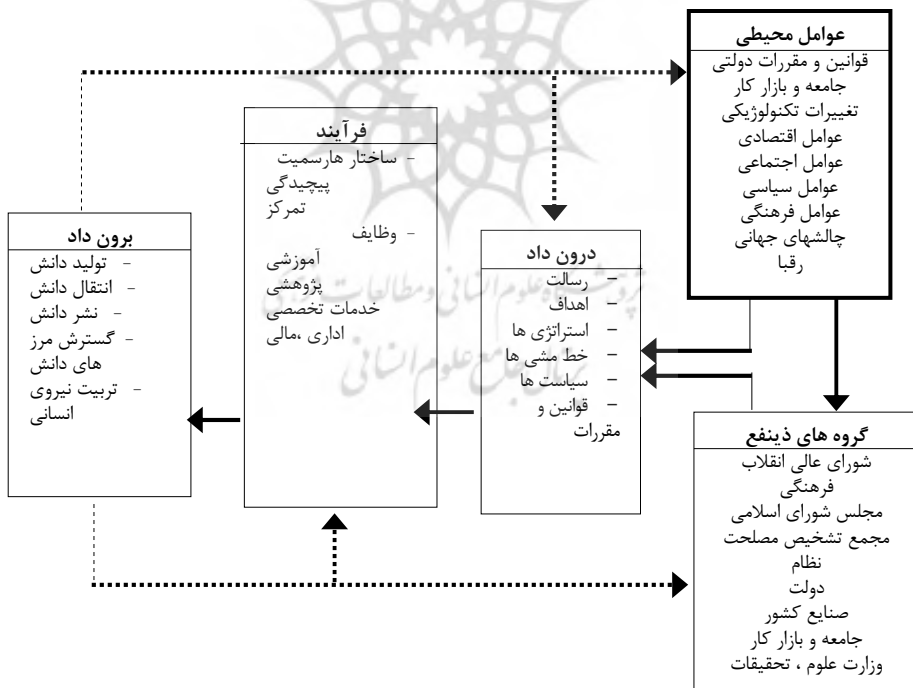
هدف اصلی این تحقیق بررسی تحولات بنیادی مورد نیاز دانشگاه صنعتی مالک اشتر با توجه به اهداف برنامه چهارم توسعه در راستای دستیابی به اهداف سند چشم انداز بیست ساله کشور می باشد.

فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی: در راستای تحقق اهداف سند چشم انداز و برای دست یابی به اهداف توسعه مبتنی بر دانایی در قانون برنامه چهارم توسعه انجام دادن تحولات بنیادی در دانشگاه صنعتی مالک اشتر ضروری می باشد .

فرضیه های فرعی

- انجام دادن تحولات در حیطه رسالت و اهداف دانشگاه صنعتی مالک اشتر برای دست یابی به اهداف توسعه مبتنی بر دانایی در قانون برنامه چهارم توسعه ضروری می باشد .



نمودار شماره (۱) - مدل مفهومی عوامل خارجی و داخلی تاثیر گذار بر دانشگاه

- انجام دادن تحولات در حیطه استراتژی ها و خط مشی های دانشگاه صنعتی مالک اشتر برای دست یابی به اهداف توسعه مبتنی بر دانایی در قانون برنامه چهارم توسعه ضروری می باشد .

- انجام دادن تحولات در حیطه ساختار و وظایف دانشگاه صنعتی مالک اشتر برای دست یابی به اهداف توسعه مبتنی بر دانایی در قانون برنامه چهارم توسعه ضروری می باشد .

- انجام دادن تحولات در حیطه عوامل محیطی و گروه های ذینفع دانشگاه صنعتی مالک اشتر برای دست یابی به اهداف توسعه مبتنی بر دانایی در قانون برنامه چهارم توسعه ضروری می باشد .

روش شناسی

الف - روش تحقیق

این پژوهش پژوهشی توصیفی - پیمایشی از شاخه پژوهش های میدانی است که با استفاده از شیوه اسناد و مدارک ، ادبیات و سوابق مسئله و ادبیات نظری پژوهش مورد بررسی قرار گرفت . مطالعه کتاب های مرتبط با پژوهش ، گزارش های علمی ، پایان نامه های تحصیلی و مقالات علمی مندرج در مجلات داخلی و خارجی و الکترونیکی از جمله منابع مورد مطالعه در پژوهش بوده اند که در بررسی ، شناسایی و توصیف تحولات بنیادی مورد نیاز دانشگاه ها در راستای دست یابی به اهداف توسعه مبتنی بر دانایی در برنامه چهارم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی به ویژه ماده ۴۹ این قانون مورد استفاده قرار گرفتند .

ب - جمعیت و نمونه آماری تحقیق

قلمرو مکانی این تحقیق دانشگاه صنعتی مالک اشتر در تهران ، اصفهان و شیراز می باشد . از طرفی ، برای دریافت اطلاعات و داده های مورد نیاز تحقیق آرای خبرگان مورد نظر بوده است . خبرگان به مفهوم دست اندرکاران اداره دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی است که به محیط درون و بیرون دانشگاه ها اشراف کامل داشته و دارند و یا در تصمیم گیری های کلان نقش داشته و دارند . به علاوه از اعضای هیات علمی باشند که ضمن داشتن تجربه اجرایی ، دارای تجربه های ارزشمندی در امور آموزشی ، پژوهشی و دانشجویی نیز باشند . بر این اساس ، جمعیت آماری تحقیق نیز عبارتند از کسانی که در جریان سیاست گذاری ها ، تنظیم آیین نامه ها و برنامه ها نقش دارند و یا کسانی که باید مجری این

سیاست ها ، آیین نامه ها و برنامه ها باشند. به همین منظور، در مطالعه موردی دانشگاه صنعتی مالک اشتر ، رئیس و معاونان دانشگاه ، رؤسا و معاونان مجتمع های دانشگاهی و رؤسا و معاونان دانشکده ها جمعیت آماری تحقیق را تشکیل می دهند . به عبارت دیگر، با توجه به اینکه کلیه افراد در جمعیت آماری انتخاب شدند نیازی به نمونه گیری نبود . از مجموع ۳۰ نفر کل افراد جامعه آماری ، ۲۲ پرسشنامه تکمیل شده معتبر دریافت و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت . میزان برگشت پرسشنامه های معتبر برابر با ۷۴ در صد بود .

پ - ابزار تحقیق

در این پژوهش از اسناد و مدارک و منابع کتابخانه ای برای جمع آوری اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع ، آمار و ارقام مربوط و برای جمع آوری اطلاعات از جمعیت آماری، از پرسشنامه که بر اساس فرضیه های اصلی و فرعی طراحی شده اند استفاده گردید .

هر پرسشنامه حاوی ۶۷ سوال است که در قالب چهار گروه کلی متناسب با چهار حیطه انتخاب شده به ترتیب برای حیطه رسالت و اهداف ۸ سوال ، برای حیطه استراتژی ها و خط مشی ها ۱۶ سوال ، برای حیطه ساختار و وظایف ۲۸ سوال و برای حیطه عوامل محیطی و ذی نفعان ۱۵ سوال تنظیم گردید . با توجه به اینکه موقعیت سوال ممکن بود بر روی پاسخ افراد پاسخ دهنده تاثیر داشته و ایجاد خطا نماید ، برای به حداقل رساندن خطای اریبی پاسخ دهندگان در هنگام پاسخ دهی ، سوالات مربوط به حیطه های مختلف به صورت پخش شده و تصادفی در بین ۶۷ موقعیت سوالات در پرسشنامه توزیع شدند .

ت - روایی و پایایی پرسشنامه

در رابطه با روایی پرسشنامه و برای تعیین حیطه ها از کارشناسان و دست اندرکاران امور آموزش عالی مصاحبه به عمل آمد و سپس با تکیه بر نظر آنها و مطالعات انجام شده ، حیطه های مورد نظر مشخص و پرسشنامه مورد نیاز طراحی گردید . برای محاسبه پایایی ، نخست پرسشنامه طی یک مطالعه مقدماتی بین تعداد ۱۰ نفر از اعضای جامعه آماری توزیع و جمع آوری گردید . آنگاه با محاسبه واریانس نمونه پایایی آن از فرمول آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۵۵۷ . محاسبه گردید .

ث - روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در پرسشنامه طراحی شده هر گویه بیانگر یک تغییر در جهت دستیابی به تحولات مورد نیاز می باشد . گزینه های هر گویه و مقادیر کمی محاسبه شده برای هر کدام به صورت

پنج گزینه ای لیکرت (کم ، بسیار کم ، متوسط ، زیاد و بسیار زیاد) انتخاب گردید و برای هر یک به ترتیب امتیازهای ۱ تا ۵ در نظر گرفته شد . آنگاه برای داده های گردآوری شده از روشها و آزمونهای زیر استفاده گردید .

در این تحقیق برای پردازش ، توصیف و تحلیل داده ها از آمارهای توصیفی و آزمونهای میانگین ، t تک نمونه ای ، کولموگروف - اسمیرنوف و فریدمن استفاده شد .

یافته ها و نتایج پژوهش

الف - مشخصه های فردی پاسخ گویان

توزیع پاسخ گویان بر اساس جنسیت ، میزان تحصیلات ، رتبه علمی ، سوابق آموزشی و پژوهشی و سوابق اجرایی در جدول شماره (۱) نشان داده شده است.

ب - نرمال بودن داده ها

همچنین برای استفاده از آزمون های پارامتریک ، لازم بود تا از نرمال بودن توزیع داده ها (تعداد داده ها کمتر از ۳۰) اطمینان حاصل شود . به همین منظور آزمون کلموگروف - اسمیرنوف بر روی داده ها به عمل آمد و چون معنی داری بیشتر از ۰/۰۵ محاسبه گردید ، بنابراین نرمال بودن داده ها به تایید رسید (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۱- توزیع پاسخ گویان بر حسب جنسیت ، میزان تحصیلات ،

رتبه علمی ، سوابق آموزشی و پژوهشی و سوابق اجرایی

ردیف	جنسیت	فراوانی (درصد)	تحصیلات	فراوانی (درصد)	رتبه علمی	فراوانی (درصد)	سوابق آموزشی و پژوهشی (سال)	فراوانی (درصد)	سوابق اجرایی (سال)	فراوانی (درصد)
۱	مرد	۲۲ (۱۰۰)	فوق لیسانس	۴ (۱۸)	مربی	۴ (۱۸)	کمتر از ۱۰	۲ (۹)	کمتر از ۱۰	۸ (۳۶)
۲	زن	-	دکتر	۱۸ (۸۲)	استادیار	۱۴ (۶۴)	۱۰ تا ۲۰	۱۶ (۷۳)	۱۰ تا ۲۰	۱۰ (۴۶)
۳	-	-			دانشیار	۴ (۱۸)	۳۰ تا ۴۰	۴ (۱۸)	۳۰ تا ۴۰	۴ (۱۸)
جمع		۲۲ (۱۰۰)		۲۲ (۱۰۰)		۲۲ (۱۰۰)		۲۲ (۱۰۰)		۲۲ (۱۰۰)

جدول شماره ۲ - آزمون توزیع داده ها به روش کلموگروف - اسمیرنف

موضوع	فرضیه اول	فرضیه دوم	فرضیه سوم	فرضیه چهارم
نمونه ها	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
آماره K-S	۰/۶۹۵	۰/۷۰۵	۰/۶۹۹	۰/۵۸۳
معنی داری	۰/۷۱۹	۰/۷۰۴	۰/۷۱۳	۰/۸۸۷

ج- آزمون فرضیه ها و نتایج حاصل

در کلیه فرضیه های تحقیق، $H_0: \mu = 3$ و $H_1: \mu \neq 3$ در نظر گرفته شده است. فرضیه اول تحقیق: انجام دادن تحولات در حیطه رسالت و اهداف دانشگاه صنعتی مالک اشتر برای دست یابی به اهداف توسعه مبتنی بر دانایی در قانون برنامه چهارم توسعه کشور ضروری می باشد.

بر اساس جداول شماره (۳)، (۴) و (۵) و با توجه به نتایج حاصل در این فرضیه، سطح معنی داری برابر با صفر به دست آمده که کمتر از ۰/۰۵ بوده و بیانگر این است که فرض H_0 مبنی بر متوسط بودن وضعیت موجود رد می شود. از طرفی، چون میانگین برابر با ۲/۱۹۸۹ شده است و این مقدار کمتر از ۳ می باشد بنا بر این میانگین داده ها کمتر از میانگین متوسط بوده و بیانگر این است که وضعیت موجود در انجام دادن تحولات در حیطه رسالت و اهداف زیر متوسط بوده و نیاز به تغییر دارد.

جدول شماره ۳ - مقایسه میانگین نمره میزان تغییر در حیطه رسالت و اهداف دانشگاه

خطای میانگین استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد			
۰/۰۸۳۷۴	۰/۳۹۲۷۵	۲/۱۹۸۹	۲۲	فرضیه اول		
معیار آزمون = ۳						
فاصله اطمینان		تفاوت میانگین	معنی داری	درجه آزادی	آماره t	
حد بالا	حد پایین					
-۰/۶۲۷۰	-۰/۹۷۵۳	-۰/۸۰۱۱	۰/۰۰۰	۲۱	-۹/۵۶۸	فرضیه اول

جدول شماره ۴ - مقایسه میانگین ، انحراف استاندارد و خطای میانگین استاندارد در معیارهای فرضیه اول

خطای میانگین استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	معیارهای فرضیه اول
۰/۱۱۳	۰/۵۲۹	۲/۲۵	۲۲	بهبود کیفیت و کمیت آموزش
۰/۱۳۸	۰/۶۴۸	۲/۲۰	۲۲	بهبود کیفیت و کمیت پژوهش
۰/۰۸۸	۰/۴۱۴	۲/۱۳	۲۲	تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه
۰/۰۱۵	۰/۷۰۱	۲/۲۰	۲۲	گسترش مرزهای دانش

جدول شماره ۵- مقایسه آماره t، معنی داری و فاصله اطمینان در معیارهای فرضیه اول

فاصله اطمینان		معیار آزمون = ۳				معیارها
حد بالا	حد پایین	تفاوت میانگین	معنی داری	درجه آزادی	آماره t	
-۰/۵۱۵	-۰/۹۸۵	-۰/۷۵	۰/۰۰۰	۲۱	-۶/۶۵۱	بهبود کیفیت و کمیت آموزش
-۰/۵۰۸	-۱/۰۸۳	-۰/۷۹	۰/۰۰۰	۲۱	-۵/۷۵۴	بهبود کیفیت و کمیت پژوهش
-۰/۶۸۰	-۱/۰۴۷	-۰/۸۶	۰/۰۰۰	۲۱	-۹/۷۹۶	تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه
-۰/۴۸۴	-۱/۱۰۶	-۰/۷۹	۰/۰۰۰	۲۱	-۵/۳۲۰	گسترش مرزهای دانش

فرضیه دوم تحقیق: انجام دادن تحولات در حیطه استراتژی ها و خط مشی های دانشگاه صنعتی مالک اشتر برای دست یابی به اهداف توسعه مبتنی بر دانایی در قانون برنامه چهارم توسعه کشور ضروری می باشد بر اساس جداول شماره (۶)، (۷) و (۸) و با توجه به نتایج حاصل در این فرضیه، سطح معنی داری برابر با صفر به دست آمده که کمتر از ۰/۰۵ بوده و بیانگر این است که فرض H_0 مبنی بر متوسط بودن وضعیت موجود رد می شود. از طرفی، چون میانگین برابر با ۲/۵۲۶۵ شده است و این مقدار کمتر از ۳ می باشد بنابراین میانگین داده ها کمتر از میانگین متوسط بوده و بیانگر این است که وضعیت موجود در انجام دادن تحولات در حیطه استراتژی ها و خط مشی ها زیر متوسط بوده و نیاز به تغییر دارد.

جدول شماره ۶ - مقایسه میانگین نمره میزان تغییر

در حیطه استراتژیها و خط مشی های دانشگاه

خطای میانگین استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	فرضیه دوم	
۰/۱۰۰۴۵	۰/۴۷۱۱۵	۲/۵۲۶۵	۲۲		
معیار آزمون = ۳					
فاصله اطمینان		تفاوت میانگین	معنی داری	درجه آزادی	آماره t
حد بالا	حد پایین				
-۴/۷۱۴	فرضیه دوم	-۰/۴۷۳۵	۰/۰۰۰	۲۱	-۴/۷۱۴

جدول شماره ۷ - مقایسه میانگین ، انحراف استاندارد و خطای میانگین استاندارد در معیارهای فرضیه دوم

معیارهای فرضیه دوم	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای میانگین استاندارد
بهبود کیفیت	۲۲	۲/۲۷	۰/۵۵۰	۰/۱۱۷
کارآفرینانه	۲۲	۲/۴۳	۰/۶۸۲	۰/۱۴۵
جهانی شدن	۲۲	۱/۸۴	۰/۶۲۵	۰/۱۳۳
پیشگامی در سطح بین المللی	۲۲	۲/۹۳	۰/۵۸۳	۰/۱۲۴
توسعه پایدار	۲۲	۲/۹۰	۰/۴۷۹	۰/۱۰۲
مشتری محوری	۲۲	۲/۵۹	۰/۸۱۱	۰/۱۷۳

جدول شماره ۸ - مقایسه آماره t ، معنی داری و فاصله اطمینان در معیارهای فرضیه دوم

معیارها	آماره t	درجه آزادی	معیار آزمون = ۳			فاصله اطمینان	
			معنی داری	تفاوت میانگین	حد پایین	حد بالا	
بهبود کیفیت	-۶/۱۹۷	۲۱	۰/۰۰۰	-۰/۷۲۷	-۰/۹۷۱	-۰/۴۸۳	
کارآفرینانه	-۳/۹۰۷	۲۱	۰/۰۰۰	-۰/۵۶۸	-۰/۸۷۱	-۰/۲۶۶	
جهانی شدن	-۸/۷۰۴	۲۱	۰/۰۰۰	-۱/۱۵۹	-۱/۴۳۶	-۰/۸۸۲	
پیشگامی در سطح بین المللی	-۷/۳۱۰	۲۱	۰/۰۰۰	-۰/۴۲۰	-۰/۵۳۰	-۰/۳۱۰	
توسعه پایدار	-۸/۸۴۱	۲۱	۰/۰۰۰	-۰/۵۶۰	-۰/۶۹۰	-۰/۴۳۰	
مشتری محوری	-۲/۳۶۵	۲۱	۰/۰۲۸	-۰/۴۰۹	-۰/۷۶۹	-۰/۰۴۹	

فرضیه سوم تحقیق: انجام دادن تحولات در حیطة ساختار و وظایف دانشگاه صنعتی مالک اشتر برای دست یابی به اهداف توسعه مبتنی بر دانایی در قانون برنامه چهارم توسعه کشور ضروری می باشد. بر اساس جداول شماره (۹) ، (۱۰) و (۱۱) و با توجه به نتایج حاصل در این فرضیه ، سطح معنی داری برابر با صفر به دست آمده که کمتر از ۰/۰۵ بوده و بیانگر این است که فرض H_0 مبنی بر متوسط بودن وضعیت موجود رد می شود. از طرفی، چون میانگین برابر با ۲/۴۲۴۶ شده است و این مقدار کمتر از ۳ می باشد بنابراین میانگین داده ها کمتر از میانگین متوسط بوده و بیانگر این است که وضعیت موجود در انجام دادن تحولات در حیطة ساختار و وظایف زیر متوسط بوده و نیاز به تغییر دارد .

جدول شماره ۹ - مقایسه میانگین نمره میزان تغییر
در حیطه ساختار و وظایف دانشگاه

خطای میانگین استاندارد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	فرضیه سوم	معیار آزمون = ۳	
۰/۱۱۲۰۴	۰/۵۲۵۵۲	۲/۴۲۴۶	۲۲			
فاصله اطمینان		تفاوت میانگین	معنی داری	درجه آزادی	آماره t	
حد بالا	حد پایین					
-۰/۳۴۲۴	-۰/۸۰۸۴	-۰/۵۷۵۴	۰/۰۰۰	۲۱	-۵/۱۳۵	فرضیه سوم

جدول شماره ۱۰ - مقایسه میانگین ، انحراف استاندارد
و خطای میانگین استاندارد در معیارهای فرضیه سوم

خطای میانگین استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	معیارهای فرضیه سوم
۰/۱۴۶	۰/۶۸۶	۲/۵۰	۲۲	رسمیت
۰/۱۴۵	۰/۶۸۲	۲/۳۳	۲۲	پیچیدگی
۰/۱۲۵	۰/۵۸۸	۲/۵۲	۲۲	تمرکز
۰/۱۱۲	۰/۵۲۶	۲/۲۷	۲۲	وظایف آموزشی
۰/۱۴۵	۰/۶۸۲	۲/۳۳	۲۲	وظایف پژوهشی
۰/۱۲۶	۰/۵۹۳	۲/۰۹	۲۲	وظایف ارائه خدمات تخصصی
۰/۱۲۵	۰/۵۸۷	۲/۶۹	۲۲	وظایف اداری مالی

جدول شماره ۱۱ - مقایسه آماره t ، معنی داری و فاصله اطمینان در معیارهای فرضیه سوم

فاصله اطمینان		معیار آزمون = ۳			آماره t	معیارها
حد بالا	حد پایین	تفاوت میانگین	معنی داری	درجه آزادی		
-۰/۱۹۶	-۰/۸۰۴	-۰/۵۰	۰/۰۰۳	۲۱	-۳/۴۲۰	رسمیت
-۰/۳۶۴	-۰/۹۶۹	-۰/۶۶	۰/۰۰۰	۲۱	-۴/۵۸۳	پیچیدگی
-۰/۲۲۱	-۰/۷۴۲	-۰/۴۸	۰/۰۰۱	۲۱	-۳/۸۴۶	تمرکز
-۰/۴۹۴	-۰/۹۶۰	-۰/۷۳	۰/۰۰۰	۲۱	-۶/۴۸۹	وظایف آموزشی
-۰/۳۶۴	-۰/۹۶۹	-۰/۶۶	۰/۰۰۰	۲۱	-۴/۵۸۳	وظایف پژوهشی
-۰/۶۴۶	-۱/۱۷۲	-۰/۹۱	۰/۰۰۰	۲۱	-۷/۱۹۶	وظایف ارائه خدمات تخصصی
-۰/۰۴۸	-۰/۵۷۰	-۰/۳۱	۰/۰۲۲	۲۱	-۲/۴۶۶	وظایف اداری مالی

فرضیه چهارم تحقیق: انجام دادن تحولات در حیطه عوامل محیطی و گروه های ذی نفع دانشگاه صنعتی مالک اشتر برای دست یابی به اهداف توسعه مبتنی بر دانایی در قانون برنامه چهارم توسعه کشور ضروری می باشد .

بر اساس جداول شماره (۱۲)، (۱۳) و (۱۴) و با توجه به نتایج حاصل در این فرضیه، سطح معنی داری برابر با ۰/۰۰۱ به دست آمده که کمتر از ۰/۰۵ بوده و بیانگر این است که فرض H_0 مبنی بر متوسط بودن وضعیت موجود رد می شود. از طرفی، چون میانگین برابر با ۲/۵۸۶۶ شده است و این مقدار کمتر از ۳ می باشد بنابراین میانگین داده ها کمتر از میانگین متوسط بوده و بیانگر این است که وضعیت موجود در انجام دادن تحولات در حیطه عوامل محیطی و گروه های ذی نفع زیر متوسط بوده و نیاز به تغییر دارد .

جدول شماره ۱۲ - مقایسه میانگین نمره میزان تغییر در حیطه عوامل محیطی و گروه های ذی نفع دانشگاه

خطای میانگین استاندارد	انحراف معیار	میانگین	تعداد		
۰/۱۰۲۹۱	۰/۴۸۲۶۸	۲/۵۸۶۶	۲۲	فرصیه چهارم	
معیار آزمون = ۳					
فاصله اطمینان		تفاوت میانگین	معنی داری	درجه آزادی	آماره t
حد بالا	حد پایین				
-۰/۱۹۹۳	-۰/۶۲۷۴	-۰/۴۱۳۴	۰/۰۰۱	۲۱	فرصیه چهارم -۴/۰۱۷

جدول شماره ۱۳ - مقایسه میانگین، انحراف استاندارد و خطای میانگین استاندارد در معیارهای فرضیه چهارم

خطای میانگین استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	معیارهای فرضیه چهارم
۰/۱۵۵	۰/۷۲۶	۲/۳۵	۲۲	شورای عالی انقلاب فرهنگی
۰/۱۴۰	۰/۶۵۸	۲/۳۶	۲۲	جامعه
۰/۱۷۱	۰/۸۰۲	۲/۵۰	۲۲	فناوری اطلاعات و ارتباطات
۰/۱۷۹	۰/۸۴۰	۳/۴۱	۲۲	رقبا
۰/۱۴۵	۰/۶۸۲	۲/۱۹	۲۲	هیات امنای دانشگاه
۰/۱۴۶	۰/۶۸۵	۲/۷۷	۲۲	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

جدول شماره ۱۴ - مقایسه آماره t، معنی داری و فاصله اطمینان در معیارهای فرضیه چهارم

فاصله اطمینان		معیار آزمون = ۳				
حد بالا	حد پایین	تفاوت میانگین	معنی داری	درجه آزادی	آماره t	معیارها
-۰/۳۳	-۰/۹۷	-۰/۶۵	۰/۰۰۰	۲۱	-۴/۱۸۲	شورای عالی انقلاب فرهنگی
-۰/۳۵	-۰/۹۳	-۰/۶۳	۰/۰۰۰	۲۱	-۴/۵۳۷	جامعه
-۰/۱۴	-۰/۸۵	-۰/۵۰	۰/۰۰۸	۲۱	-۲/۹۲۵	فناوری اطلاعات و ارتباطات
۰/۷۸	۰/۰۴	۰/۴۱	۰/۰۳۳	۲۱	۲/۲۸۴	رقبا
-۱/۰۷	-۰/۷۱	-۰/۴۱	۰/۰۰۱	۲۱	-۲/۸۱۴	هیات امنای دانشگاه
-۰/۲۸	-۰/۵۳	-۰/۴۳	۰/۰۰۵	۲۱	-۳/۴۵۶	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

اولویت فرضیه های تحقیق: با بررسی نتایج تحقیق، اکنون می توان اولویت بندی فرضیه های تحقیق را از طریق مقایسه میانگین ها مشخص نمود. از سوی دیگر، با انجام دادن آزمون فریدمن اولویت بندی صورت گرفته مورد تایید قرار گرفت نتیجه این اولویت بندی به صورت مقایسه ای برای هر دو روش در جدول شماره (۱۵) نشان داده شده است. همان گونه که مشاهده می شود، از دید پاسخ دهندگان، فرضیه اول تحقیق دارای بیشترین اولویت و فرضیه چهارم تحقیق دارای کمترین اولویت برای ایجاد تغییرات بوده اند.

جدول شماره ۱۵ - مقایسه اولویت بندی میانگین فرضیه ها و نتایج آزمون فریدمن

فرضیه ها	میانگین (رتبه)	آزمون فریدمن (رتبه)
۱- انجام دادن تحولات در حیطه رسالت و اهداف دانشگاه	۲/۱۹۸۹ (اول)	۱/۵۹ (اول)
۲- انجام دادن تحولات در حیطه استراتژیها و خط مشی های دانشگاه	۲/۵۲۶۵ (سوم)	۲/۹۱ (سوم)
۳- انجام دادن تحولات در حیطه ساختار و وظایف دانشگاه	۲/۴۲۴۶ (دوم)	۲/۳۶ (دوم)
۴- انجام دادن تحولات در حیطه عوامل محیطی و گروه های ذینفع دانشگاه	۲/۵۸۶۶ (چهارم)	۳/۱۴ (چهارم)

بحث و نتیجه گیری

بر اساس یافته های تحقیق، می توان نتیجه گیری های زیر را در مورد هر یک از فرضیه ها در رابطه با تحولات مورد نیاز در دانشگاه صنعتی مالک اشتر مطرح نمود. شایان ذکر است که دانشگاه صنعتی مالک اشتر به مدت ۱۵ سال از زمان تاسیس (سال ۱۳۶۵) و به دلیل نیازی که وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به دانش آموختگان رشته های فنی مهندسی جهت خدمت در صنایع دفاعی زیر مجموعه خود داشت، به امر جذب و تربیت نیروی انسانی بورسیه از طریق آزمون سراسری کشور اقدام می نمود، ولی از سال ۱۳۸۰ پس از اینکه با تعداد بسیار زیادی از دانش آموختگان رشته های فنی دانشگاه های دیگر جهت استخدام مواجه گردید، نسبت به تغییر ماموریت جذب دانشجوی بورسیه اقدام نمود و علاوه بر اینکه بورسیه نمودن آنها را منتفی دانست، رسالت اصلی خود را از آموزش به پژوهش معطوف و با ایجاد مجتمع های دانشگاهی در کنار دانشکده های موجود، عملاً محوریت «آموزش و پژوهش» خود را به «پژوهش» تغییر داد. پی آمد این ماموریت جدید نیز موضوع خودگردانی مجتمع ها و دانشکده ها مطرح گردید و روش جذب دانشجو به صورت «شبانه و نوبت دوم» جایگزین روش جذب به صورت «بورسیه» شد که تاکنون نیز ادامه داشته است.

فرضیه اول تحقیق: انجام دادن تحولات در حیطه رسالت ها و اهداف دانشگاه برای دست یابی به اهداف توسعه مبتنی بر دانایی در قانون برنامه چهارم توسعه کشور ضروری می باشد.

در رابطه با یافته های این فرضیه، مشخص گردید که پاسخ دهندگان اعتقاد دارند که وضعیت موجود دانشگاه صنعتی مالک اشتر برای دست یابی به اهداف توسعه مبتنی بر دانایی کشور مناسب نمی باشد و انجام دادن تحولات در حیطه رسالت ها و اهداف دانشگاه را در این رابطه بسیار ضروری می دانند. در همین رابطه، رسالت «تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه» با میانگین ۲/۱۳ دارای بیشترین اولویت و رسالت «بهبود کمیت و کیفیت آموزش» با میانگین ۲/۲۵ دارای کمترین اولویت بوده است. با توجه به تغییر ماموریتی که دانشگاه در طی پنج سال گذشته داشته است، می توان انتظار داشت که مسئولان دانشگاه و مجتمع های دانشگاهی و دانشکده ها در رابطه با «آموزش و به ویژه

کمیت آن»، اولویت چندانی در نظر نداشته باشند. اگر چه میانگین این معیار بیش از دیگر معیارها می باشد، اما هنوز تا حد میانگین مفروض ۳ فاصله زیادی داشته و ضرورت تحول در آن نیز احساس می شود. بانک جهانی چگونگی حفظ و بهبود کیفیت آموزش را چالش همه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه دانسته و در همین رابطه کم و ماتایسل (۲۰۰۳) نیز به نقش کیفیت آموزش و پژوهش در رقابت جهانی اشاره نموده و بچر (۱۹۹۲) نیز آموزش را به عنوان یکی از راهکارهای اصلی برای تامین نقدینگی دانشگاه ها در نظر گرفته است. از طرف دیگر، مسئولان دانشگاه معتقدند اولویت اصلی تحول باید در «تربیت نیروی انسانی مورد نیاز» باشد، زیرا پس از گذشت ۶ سال از اجرای ماموریت جدید و کم رنگ شدن امر آموزش و به دلیل اینکه نیاز سنجی دقیقی از نیازهای وزارت دفاع صورت نگرفته، لزوم اجرای آن کاملاً احساس شده است، هر چند مجوز اجرای رشته های جدیدی مثل مکاترونیک، اپتیک و لیزر در مقطع کارشناسی ارشد اخذ و نسبت به تربیت نیروی انسانی برای آنها نیز اقدام گردید، ولی چون زیر بنای آنها در راستای تغییرات ایجاد شده به سمت پژوهش محوری بوده است، موجبات غفلت مسئولان از تامین نیازهای واقعی صنایع دفاعی به نیروی انسانی در مقاطع کاردانی و کارشناسی را فراهم نموده است. این معیار خود تاییدی است بر ماده کلیدی ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه که تاکید بر تربیت نیروی انسانی مطابق با نیازهای جامعه دارد. با این حال، نان (۲۰۰۱) به اولویت گذاری در امور پژوهشی با توجه به نیازهای بازار اشاره نموده و فلت (۲۰۰۴) نیز تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه را در راستای ارتقای سطح آموزش و پژوهش در جامعه می داند به نوشته اسماعیلی (۱۳۸۳) و روشن در واقع توجه به نیازهای جامعه و برآورده نمودن آنها از طریق تربیت نیروی انسانی مورد نیاز به مفهوم مشتری محوری می باشد.

فرضیه دوم تحقیق: انجام دادن تحولات در حیطه استراتژی ها و خط مشی های دانشگاه برای دست یابی به اهداف توسعه مبتنی بر دانایی در قانون برنامه چهارم توسعه کشور ضروری می باشد.

در رابطه با یافته های این فرضیه مشخص گردید که پاسخ دهندگان اعتقاد دارند که وضعیت موجود دانشگاه صنعتی مالک اشتر برای دست یابی به اهداف توسعه مبتنی بر

دانایی کشور مناسب نمی باشد و انجام دادن تحولات در حیطه استراتژی ها و خط مشی های دانشگاه را در این رابطه بسیار ضروری می دانند. در همین رابطه استراتژی «جهانی شدن» با میانگین ۱/۸۴ دارای بیشترین اولویت و استراتژی «تحولات علمی در سطح بین المللی» با میانگین ۲/۹۳ دارای کمترین اولویت بوده است. در رابطه با دلیل اینکه در این حیطه نیاز اصلی تحول از نظر مسئولان دانشگاه، «جهانی شدن» و کمترین نیاز به «تحولات علمی در سطح بین المللی» معطوف شده است، با نگاهی کوتاه به تحولی که در شروع دهه ۸۰ در این دانشگاه صورت گرفت، حرکت و سمت و سوی دانشگاه به سوی جهانی شدن امری بدیهی به نظر می رسيد و پاسخ مسئولان گواه این موضوع می باشد، زیرا جهانی شدن در آموزش عالی در واقع فرایندی در جهت کاهش حضور و اقتدار دولت هاست، در حالی که بین المللی شدن وجود و حضور دولت ها را مفروض و قطعی می پندارد. در همین حال جهانی شدن مفهومی مرتبط با نظام سرمایه و گسترش فرهنگ توجه به مصرف کننده دارد. در حالی که بین المللی شدن در حیطه دیپلماسی و فرهنگ گام بر می دارد. البته فارغ از اختلافات مفهومی در تعریف جهانی شدن و بین المللی شدن، نیاز به تحول در راستای گسترش همکاری ها و ارتباطات علمی و دانشگاهی به نحوی که بتواند در ارتباط با چشم انداز ها و پیشرفت های جهانی باشد امری ضروری قلمداد می گردد. چنانکه در مواد ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۸ و ۵۵ قانون برنامه چهارم توسعه نیز موضوع بسط ارتباطات علمی دانشگاه ها در سطح بین المللی به منزله یک اولویت و سیاست استراتژیک در برنامه های توسعه آموزش عالی در نظر گرفته شده است، همان گونه که انتظاری (۱۳۸۳) گسترش مراکز دانشگاه پژوهی را برای توسعه دانشگاه ها بسیار ضروری می داند.

فرضیه سوم تحقیق: انجام دادن تحولات در حیطه ساختار و وظایف دانشگاه برای دستیابی به اهداف توسعه مبتنی بر دانایی در قانون برنامه چهارم توسعه کشور ضروری می باشد. در رابطه با یافته های این فرضیه که پاسخ دهندگان اعتقاد دارند که وضعیت موجود دانشگاه صنعتی مالک اشتر برای دستیابی به اهداف توسعه مبتنی بر دانایی کشور مناسب نمی باشد و انجام دادن تحولات در حیطه ساختار و وظایف دانشگاه را در این رابطه بسیار ضروری می دانند. در همین رابطه «وظایف ارائه خدمات تخصصی» با میانگین ۲/۰۹ دارای بیشترین اولویت و «وظایف اداری مالی» با میانگین ۲/۶۹ دارای کمترین اولویت بوده است.

در حیطه ساختار و وظایف، نگاه مسئولان دانشگاه صنعتی مالک اشتر به «استقلال» دانشگاهی است که این نیز خود جنبه جهانی دارد. در واقع استقلال به منزله نوع خاصی از رابطه میان دولت و دانشگاه است که در آن دولت ضمن حمایت از فعالیت های دانشگاهی از دخالت در آن نیز اجتناب می کند. آلتباخ (۱۳۷۹) در تحقیقات خود اشاره می کند که دانشگاه ها در کشورهای جهان سوم موسسه هایی سیاسی می باشند که هم دولت و هم نیروهای سیاسی در آن فعالانه درگیر هستند و این امر باعث می گردد تا دانشگاه دارای استقلال لازم برای پیگیری اهداف علمی و آموزشی خود نباشد. پاوندر (۲۰۰۱) مفهوم استقلال را عمدتاً به نهادهای آموزشی اطلاق می کند ولی از نظر خبرگان آموزش عالی همچون برن بام (۱۳۸۲) استقلال را می توان از دو منظر محتوایی و شکلی در نظر گرفت. اگر توانایی یک دانشگاه در تعیین هدف ها و برنامه های خود باشد آن را استقلال محتوایی و اگر در تعیین راه ها و روش های پیگیری هدف ها و برنامه ها باشد آن را شکلی لحاظ می کنند. بر این اساس، میزان استقلال محتوایی دانشگاه به میزان دخالت دولت در تعیین سیاست های دانشگاه و انتخاب هدفها و روش های آموزشی و علمی بستگی پیدا می کند و استقلال شکلی به بررسی روش های صرف بودجه علمی یا روش های مجاز برای صرف بودجه عمومی دانشگاه می پردازد. در این رابطه باید تحول مورد نیاز در ساختار دانشگاه صورت گیرد و انعطاف لازم در آن ایجاد شود تا زمینه های استقلال شکلی را فراهم نماید. بنا بر این ضروری است که دانشگاه صنعتی مالک اشتر با هدف دست یابی به استقلال بیشتر سعی در افزایش انعطاف پذیری در ساختار خود داشته باشد تا بتواند با رویکرد مشتری محوری موفق به ارتقاء ارائه خدمات تخصصی مناسب و مطلوب به مشتریان خود گردد. مشتریانی که عمدتاً به دلیل شرایط ویژه حاکم بر موضوعات دفاعی کشور، لزوماً باید نیاز های خاص خود را از طریق این دانشگاه تامین نمایند.

در رابطه با وظایف اداری مالی اگر چه این معیار با میانگین ۲/۶۹ کمترین اولویت را داشته، ولی همچنان با میانگین مفروض ۳ فاصله زیادی دارد و ضرورت تحول در آن احساس می شود. باید توجه داشت که آیین نامه استخدامی دانشگاه تهران با قدمتی درخور ملاحظه و با انجام دادن اصلاحات موردی بر اعضای هیات علمی و کارکنان حاکم بوده و در مورد آیین نامه های مالی نیز تاکنون بر اساس ماده ۳۱ قانون محاسبات

عمومی کشور اداره می شده، اکنون باید براساس ماده ۴۹ تغییرات اساسی پیدا نمایند تا بتوان اعتبارات هزینه ای را براساس قیمت تمام شده اختصاص داد همان گونه که باباجانی (۱۳۸۵) تغییر در نظام فعلی بودجه ریزی دانشگاه ها و تبدیل آن به سیستم بودجه بندی بر مبنای فعالیت را امری اجتناب ناپذیر می داند.

فرضیه ۴ چهارم تحقیق: انجام دادن تحولات در حیطه عوامل محیطی و گروه های ذی نفع دانشگاه برای دست یابی به اهداف توسعه مبتنی بر دانایی در قانون برنامه چهارم توسعه کشور ضروری می باشد در رابطه با یافته های این فرضیه، مشخص گردید که پاسخ دهندگان اعتقاد دارند که وضعیت موجود دانشگاه صنعتی مالک اشتر برای دست یابی به اهداف توسعه مبتنی بر دانایی کشور مناسب نمی باشد و انجام دادن تحولات در عوامل محیطی و گروه های ذی نفع دانشگاه را در این رابطه بسیار ضروری می دانند. در همین رابطه، در عوامل محیطی و گروه های ذی نفع «هیات امنای» با میانگین ۲/۱۹ دارای بیشترین اولویت و «رقبا» با میانگین ۳/۴۱ دارای کمترین اولویت بوده است. در رابطه با این حیطه، اعتقاد مسئولان دانشگاه عمدتاً به نیاز به تحول در هیات امنای می باشد و اینکه بنا به دلایل مختلف هیات امنای دانشگاه از مسیر اصلی خود یعنی سیاست گذاری و تصمیم گیری های کلان در راستای انجام دادن رسالت تشکیل خود دور شده و صرفاً در جلسات به مسایل و مشکلات روزمره برای گذران امور جاری می پردازند (عدم تشکیل منظم جلسات هیات امنای، مهر تاییدی است بر نیازی که از سوی مسئولان دانشگاه احساس شده است) و این در حالی است که انتظاری که از هیات امنای برای این دانشگاه وجود دارد بسیار فراتر از اینها بوده و داشتن دیدگاهی استراتژیک از حداقل این انتظارات است. پیت (۲۰۰۱) تغییر در وظایف هیات امنای را مناسب با تحولات جهانی می داند. آراسته (۱۳۸۰) استقلال دانشگاه ها را به تجدید نظر در وظایف و اختیارات هیات امنای منوط کرده است. گید، فایول و کلارک نیز به وظایف هیات امنای در رابطه با صیانت از استقلال دانشگاه و پاسخگویی به نیازهای جامعه اشاره کرده اند. از سوی دیگر، مسئولان دانشگاه معتقدند که کمترین تحول مورد نیاز در رابطه با عوامل محیطی مرتبط با رقبا می باشد. اگر چه میانگین نقش رقبا برابر با ۳/۴۱ بوده و بزرگتر از میانگین مفروض ۳ نشان داده شده است، اما هنوز در کرانه عدد ۳ قرار داشته و از گزینه «تا حدودی» طیف لیکرت بالاتر

نرفته است. لذا ضرورت تحول در آن احساس می شود و در واقع با استناد به نوشته های کم ، ماتایسل (۲۰۰۳) و فلت (۲۰۰۴) برای پایداری دانشگاه و توان رقابت در سطح جهانی از اهمیت به سزایی برخوردار می باشد. رقبایی که برای این دانشگاه به عنوان یک دانشگاه دولتی متصور است دو دسته هستند. اول رقبای داخلی که عمدتاً در دانشگاه های غیر دولتی از جمله دانشگاه آزاد اسلامی خلاصه می شوند و دسته دوم رقبای خارجی که عمدتاً به دانشگاه های کشورهای دیگر مرتبط می باشند. در خصوص رقبای داخلی با توجه به روند رو به رشد دانشگاه های آزاد در مسیر همگامی با دانشگاه های دولتی و اینکه مسایل و مشکلات مبتلا به در هر دو دارای نقاط ضعف و قوت تقریباً مشابه بوده و خواهند بود، برای مشتریانی که نیازمند دریافت خدمات می باشند آن چنان تفاوت محسوسی بین دانشگاه های دولتی و غیر دولتی وجود ندارد. در حالی که برخلاف رقبای داخلی، رقبای خارجی تمام تلاش خود را در جهت بر طرف ساختن نیازهای مشتریان معطوف داشته و با طراحی رشته ها و دوره های مورد نیاز مشتریان عملاً استراتژی مشتری محوری را در سر لوحه فعالیت های خود قرار داده اند. این امر موجب آن شده تا دانش پژوهان داخلی تمایل بسیار زیادی به تحصیل در دانشگاه های خارج از کشور حتی دانشگاه های نه چندان مطرح و شناخته شده در جهان، مثل دانشگاه های کشورهای هم جوار چون جمهوری های استقلال یافته شوروی سابق، امارات متحده عربی، هند، مالزی و... از خود نشان دهند و تمایل چندانی به انتخاب این دانشگاه برای ادامه تحصیل وجود نداشته باشد. آمار متقاضیان تحصیل در دانشگاه صنعتی مالک اشتر در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ گویای این موضوع بوده و زنگ خطری جدی را برای مسئولان دانشگاه به صدا در آورده است. *مجلس عالی علوم انسانی*

و سرانجام اینکه بر اساس دیدگاه مسؤلان دانشگاه صنعتی مالک اشتر، از میان چهار حیطة مورد نظر یعنی رسالت و اهداف، استراتژی ها و خط مشی ها، ساختار و وظایف، عوامل محیطی و گروه های ذی نفع، بالاترین اولویت برای انجام دادن تحولات بنیادی مربوط به حیطة «رسالت و اهداف» دانشگاه می باشد. همان گونه که قورچیان و آراسته نیز در مطالعات خود بر آن تاکید کرده اند و بر این اساس و با توجه به اینکه یک بار چنین تحولی در سال ۱۳۸۰ در آن دانشگاه انجام شده و در حال حاضر و پس از کسب ۶ سال تجربه اجرای آن، به نظر می رسد لزوم تحولی بنیادی بر اساس یافته ها و تجارب

حاصل شده آن هم در زمانی که سند چشم انداز بیست سال آینده کشور در افق ۱۴۰۴ ابلاغ گردیده و پی آمد آن برنامه چهارم توسعه از نیمه راه خود گذشته ، امری غیر قابل اجتناب بوده و به جرئت می توان ادعا نمود که کمتر دانشگاهی در کشور دارای چنین تجربه با ارزشی می باشد .

پیشنهادها

بر اساس یافته ها و نتایج این پژوهش ، پیشنهادهای زیر می تواند ضمن بستر سازی مناسب مسیر تکامل تحولات مورد نیاز این دانشگاه را هموارتر نمایند :

۱- **حیطه رسالت و اهداف دانشگاه (فرضیه اول) ،** با توجه به اولویت بالایی که برای

تربیت نیروی انسانی مورد نیاز به دست آمد و همچنین به دلیل وجود مراکز صنعتی متنوع و با فناوری های بالا در مجموعه وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح ، در کنار هر یک از قطب های دانشگاهی - صنعتی این دانشگاه در شهرهای اصفهان ، تهران و شیراز یک پارک علمی فناوری تاسیس گردد . این پارک ها علاوه بر اینکه می توانند نقش حلقه مفقوده در توسعه تحقیقات ملی از نوع کاربردی و توسعه ای و انتقال صحیح فناوری را ایفا نمایند ، می توانند به عنوان مراکزی برای تربیت نیروی انسانی مورد نیاز وزارت دفاع مورد استفاده قرار گیرند و زمینه های ایجاد تحول در رسالت دانشگاه در راستای تامین نقطه نظرات پاسخ دهندگان را فراهم آورند . در همین راستا و با ایجاد این پارک ها عملاً دانشگاه قادر خواهد بود ضمن تقویت و بهبود کیفیت و کمیت پژوهش های مورد نیاز خود ، به گونه ای عمل نماید که رسالت آموزشی آن نیز تحت الشعاع قرار نگرفته و به صورت همزمان در دو بعد آموزش و پژوهش ماموریت های خود را انجام دهد .

۲- **حیطه استراتژی ها و خط مشی های دانشگاه (فرضیه دوم) ،** ضروری است

دانشگاه بتواند با انتخاب استراتژی مشتری محوری پاسخگوی نیازهای مشتریان خود که عمدتاً از سازمانها و شرکتهای تابع وزارت دفاع هستند باشد . در این رابطه، یکی از رهیافت های بهبود بهره ور ی توسعه دانش توجه به تحقیقات نهادی می باشد . براین اساس ، با ایجاد مرکزی با عنوان مرکز دانشگاه پژوهشی^۱ (IRC) می توان گونه های

مختلف دانش های جدید و مورد نیاز مشتریان دانشگاه را به عنوان یک سیستم و مولفه های مختلف آن شامل کارآیی، بهره وری، سیاست گذاری، برنامه ریزی و تصمیم گیری و عوامل محیطی موثر بر آن را توسعه داد. این مرکز به مثابه یک کانون تفکر کوچک متشکل از افراد تحلیل گر، ایده پرداز و روش شناس زیر نظر مستقیم رئیس دانشگاه سازمان دهی می گردد و با ساختاری کاملا منعطف و غیراجرایی به برنامه ریزی، مدیریت، هدایت و سفارش فعالیت های پژوهشی و ارزیابی های مورد نیاز برای تصمیم سازی و تصمیم گیری در دانشگاه بپردازد.

۳- حیطه ساختار و وظایف دانشگاه (فرضیه سوم)، ضروری است ساختار تشکیلاتی سنتی موجود بر اساس فناوری های پیشرفته تغییر یافته و ضمن کوچک سازی تشکیلات اداری و بویژه ستادی، تشکیلاتی مناسب و کارآمد با هدف کاهش هزینه های جاری طراحی گردد. یکی از مهمترین این تحولات در رابطه با وظایف مالی می باشد که در راس آنها نظام بودجه بندی دانشگاه قرار دارد. پیشنهاد می شود سیستم بودجه بندی دانشگاه به سیستم بودجه بندی عملیاتی تغییر پیدا نماید. زیرا با توجه به صراحت بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه کشور، تخصیص اعتبارات هزینه های دانشگاه از محل بودجه عمومی دولت بر مبنای قیمت تمام شده دانشجو خواهد بود. در راستای اجرای این سیستم، مسئولیت مستقیم پاسخگویی مالی و اعمال نظارت مالی در مورد مصرف کلیه منابع مالی در قبالت نهادهای نظارتی همچون هیات امناء و وزارت دفاع به عهده رئیس دانشگاه خواهد بود.

۴- حیطه عوامل محیطی و گروه های ذی نفع دانشگاه (فرضیه چهارم)، با توجه به اولویت بالایی که برای تحول در هیات امناء مشاهده گردید، و با علم به اینکه هیات امناء اگر دارای جایگاه، ساختار، وظایف و اختیارات مناسب باشد می تواند منشا همه تحولات مورد نیاز در دانشگاه گردد. لذا توجه به نقاط ضعف موجود در قانون هیات امناء از اهم امور می باشد. نقاط ضعف عمده در قانون فعلی هیات امناء عبارتند از تحت الشعاع بودن مسئولیت های آن به دلیل نقش نهادهایی مثل سازمان مدیریت و برنامه ریزی، وزارت امور اقتصاد و دارایی و شورای عالی انقلاب فرهنگی، همچنین وجود موانع برای مصوباتی که دارای بار مالی می باشند، عدم وجود قدرت و ضمانت اجرایی کافی در اجرای مصوبات آن و توجه به مسائل خرد به جای موضوعات کلان و راهبردی.

در این رابطه، پیشنهاد می شود وظایف و مسئولیت های هیات امنای مورد بازنگری قرار گیرند و به منظور ایفای مسئولیت های رو به گسترش آنها به دنبال تصویب ماده ۴۹، توسعه داده شوند. ضروری است این وظایف با رویکردی راهبردی در راستای صیانت از استقلال دانشگاه و حمایت از آزادی علمی، وظایف برنامه ریزی و سیاست گذاری، نظارت و ارزیابی، پاسخگویی در برابر عوامل برون سازمانی، تصویب خط مشی های تامین منابع مالی، امور مالی و معاملاتی مشخص شوند. همچنین در ترکیب اعضای هیات امنای حداقل سه نفر از مسئولان رده اول سازمان های تابع وزارت دفاع و یک نفر از اعضای هیات علمی باز نشسته علاوه بر اعضای ذکر شده در ماده الف قانون فعلی هیات امنای افزوده شود. بدیهی است وجود برنامه ریزی مشخص و زمان بندی شده برای فعالیت های هیات امنای که برنامه تشکیل جلسات آنها حداقل سالی سه بار برای چهار سال مشخص شده و بدون تغییر به اجرا گذاشته شود می تواند بستر مناسبی را برای انجام وظایف محوله به نحو مطلوب تری فراهم آورد.

منابع

- آراسته ، حمید رضا، آذر گشب ، اذن الله ، صباغیان ، زهرا و جعفر توفیقی ، (۱۳۸۶) ، «بررسی وظایف هیات های امنای و نقش آن در استقلال دانشگاه های دولتی وابسته به وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری از دیدگاه اعضای هیات امنای و شوراهای دانشگاه ها» ، فصلنامه مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، شماره اول ، صص ۱۹-۲۹
- آراسته ، حمید رضا، (۱۳۸۰) ، مدیریت در دانشگاههای وابسته به وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری : چالش ها و کاستی ها ، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی ، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی ، شماره ۲۱ و ۲۲ ، صص ۴۱-۷۰
- اسماعیلی ، زهره ، (۱۳۸۳) ، «مشتري محوری اصلی در تحول فرهنگ کیفیت در مراکز آموزشی» ، نامه آموزش عالی ، صص ۱۶-۶.
- آلتباخ ، ف (۱۳۷۹): «آموزش عالی در قرن بیست و یکم» ، ترجمه مهدی عباسی ، انتشارات دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری ، صص ۱۲۶.
- احمدی دستجردی ، داوود ، نوع پسند اصیل ، محمد و محمد حسن قلی زاده ، (۱۳۸۱) ، «آموزش عالی ، فناوری و سیستم های اطلاعاتی» ، مجموعه مقالات چهل و چهارمین نشست رؤسای دانشگاهها و مراکز علمی تحقیقاتی ، وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری ، جلد دوم ، صص ۳۷۲-۳۶۱
- انتظاری ، یعقوب ، (۱۳۸۳) ، «تحقیقات نهادی ، رهیافتی برای بهبود بهره وری توسعه دانش در دانشگاههای ایران» ، نامه آموزش عالی ، صص ۱۸-۱۴.
- آهون منش ، علی ، خاتون آبادی ، احمد ، فتحیان ، ابوالحسن ، (۱۳۸۱) ، «چالش های آموزش عالی در ایران هزاره سوم میلادی» مجموعه مقالات چهل و چهارمین نشست رؤسای دانشگاه ها و مراکز علمی تحقیقاتی، صص ۲۹۰-۲۷۱.
- باباجانی ، جعفر ، (۱۳۸۵) ، «استقلال اعطایی به دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی : فرصت یا تهدید» ، فصلنامه مطالعات حسابداري ، شماره ۸ ، صص ۲۹-۵۳
- باقری لنکرانی ، کامران ، (۱۳۸۴) ، برگرفته از متن مصاحبه در حاشیه کنفرانس «راهکارهای اجرایی ماده ۴۹» ، تهران ، دانشگاه شهید بهشتی
- برادران شرکا ، (۱۳۸۵) ، «مقایسه سیاست های کلی ابلاغ شده مقام معظم رهبری و احکام برنامه چهارم توسعه» ، مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، ناشر موسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، جلد سوم، صص ۲۲۵-۲۱۸
- برن بام ، ز ، (۱۳۸۲) ، «دانشگاه ها چگونه کار می کنند» ، ترجمه حمیدرضا آراسته ، تهران : انتشارات موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی ، صص ۸۳

- بکهارد، چارلز، (۱۳۸۰)، *سازمان فردا*، ترجمه فضل الله امینی، تهران، انتشارات فرا، ص ۴۸
- پسندیده، محمد مهدی، (۱۳۸۵)، «جامعه دانایی محور اساس تحقق توسعه کشور»، مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، ناشر موسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، جلد چهارم،، صص ۹۱-۱۰۰
- تسلیمی، محمد سعید. (۱۳۸۰)، *مدیریت تحول سازمانی*، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ص ۵۹
- تودارو، مایکل، (۱۳۷۳)، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجادی، سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول، تهران
- حیدری، احمد. (۱۳۸۴)، «ضرورت هماهنگی برنامه های توسعه آموزش عالی با برنامه های توسعه کشور»، *نامه آموزش عالی*، اردیبهشت، صص ۱۰-۶
- حیدری عبدی، احمد، (۱۳۸۵)، «ضرورت هماهنگی برنامه های توسعه آموزش عالی با برنامه های توسعه کشور»، مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، ناشر موسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، جلد سوم،، صص ۲۳۵-۲۲۶
- دبیر خانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، (۱۳۸۳)، «سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴»، تهران، انتشارات دبیر خانه مجمع تشخیص مصلحت نظام
- رابینز، استیفن، (۱۳۸۳)، *تئوری سازمان: ساختار، طراحی، کاربردها*، ترجمه سید مهدی الوانی و حسین دانائی فرد، صفار، تهران،، ص ۹۲
- رضایی، محسن، (۱۳۸۵)، «چشم انداز و تحول اقتصادی اجتماعی»، مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، ناشر موسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، جلد سوم،، صص ۱۲-۳
- روشن، احمد رضا، (۱۳۸۳)، «دانشگاه مشتری مدار»، *نامه آموزش عالی*، ص ۴
- زالی، علی، (۱۳۸۴)، برگرفته از متن مصاحبه در حاشیه کنفرانس «راهکارهای اجرایی ماده ۴۹»، تهران، دانشگاه شهید بهشتی
- زمردیان، اصغر، (۱۳۷۳)، *مدیریت تحول: استراتژیها، کاربرد و الگوهای نوین*، تهران، انتشارات سلزمان مدیریت صنعتی، چاپ اول، ص ۸۷
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، (۱۳۸۳)، «قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور
- سیاهپوش، امیر عباس، (۱۳۸۵)، «بررسی فرآیند توسعه بر اساس سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران»، مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، ناشر موسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، جلد سوم،، صص ۲۹۷-۳۱۶

طباطبایی یزدی، رویا و نرگس نجفی، (۱۳۸۵) «مقایسه وضعیت اقتصادی کشور با وضعیت اقتصادی منطقه در سال های طی شده سند چشم انداز ۲۰ ساله»، مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، ناشر موسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، جلد سوم، صص ۲۶۸-۲۳۶

عزتی، مرتضی، (۱۳۸۵)، «ارزیابی انطباق برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با اهداف سند چشم انداز در افق سال ۱۴۰۴»، مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، ناشر موسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، جلد سوم، صص ۲۹۶-۲۶۹

فاضلی، نعمت اله، (۱۳۸۳)، «جهانی شدن و آموزش عالی»، مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار، تهران

فرنج، وندال و سیسیل، بل. (۱۳۸۵)، «مدیریت تحول در سازمان»، ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانایی فرد، چاپ سوم، صفار، تهران، صص ۱۴۶

قورچیان، نادر قلی، (۱۳۸۱)، «آسیب شناسی پژوهشی کشور جهت آسیب زدایی آن»، مجموعه مقالات چهل و چهارمین نشست رؤسای دانشگاهها و مراکز علمی تحقیقاتی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، جلد دوم، صص ۱۸۳-۱۷۳

قورچیان، نادر قلی، (۱۳۸۳)، «دانشگاه ها به مثابه الگویی برای توسعه پایدار»، مجموعه مقالات اولین همایش آموزش عالی و توسعه پایدار، ناشر موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، صص ۲۳۷-۲۲۹

گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۸)، راه سوم، ترجمه منوچهر صبوری، نشر شیرازه. تهران، صص ۱۵۹
مهدیان، حمید، (۱۳۸۵)، «چشم انداز و سیاست های توسعه فناوری در کشور»، مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، ناشر موسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، جلد چهارم، صص ۳۰۸-۲۸۹

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، (۱۳۸۰)، «چکیده مقالات چهل و چهارمین نشست روسای دانشگاه ها و مراکز علمی - تحقیقاتی کشور» انتشارات موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، تهران

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۳)؛ قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، انتشارات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران.

یونسکو، (۱۳۷۸). «بیانیه جهانی آموزش عالی برای قرن آینده: دیدگاه ها و دستورالعمل ها»، ترجمه حمید جاودانی، تهران، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، چاپ اول

- Becher , T. and M. Kogan., (1992) , *Process and Structure in Higher Education* , London : Routledge .
- Comm, C. & Mathaisal, D ,(2003) **Less Is More: A Framework for a Sustainable University** “,*International Journal of Sustainability in Higher Education*, vol. 4, No. 3. pp. 314 – 323
- David, Fred, R (1991). *Strategic Management*, Maxwell & Macmillan, International Editions
- Felt,U. (2004),**University Autonomy in Europe : Changing Paradigms in Higher Education** , University of Vienna , Retrieved From . <http://www.educacao.br/managerialism> .
- Green,M.F, (1999), **Leaders for a New Era**. New York: *American Council on Education*. pp:83-97
- Mizikaci, F. (2006)"A Systems Approach to Program Evaluation Model for **Quality in Higher Education**", *Quality Assurance in Education "*, vol. 14, No.1, pp. 37 – 53
- Nunn,A. (2001), *An Impact Assessment for Higher Education in th UK* , Retrived from : Documents/ Autlmpact.
- Payette,D. (2001)"**Fiduciary Responsibility of Board Trustees and Officers In Universities and Colleges** “,*Corporate Governance*,MCB University Press,Vol.1,No.4, ,pp.12-19
- Pounder, J. (2001)"**New Leadership and University Organization Effectiveness**", *Leadership and Organization Development Journal*, vol. 22, No.6, pp281-290
- Senge,P.M.,(1999), **Building Learning Organizations** , *Journal for Quality & Participation*, 15 (2), PP:30-38.